

امروز

محتکرین اعدام میشوند!

فرانگو خوردنی است یا پوشیدنی آقای قوام السلطنه چه فکری کرده اند؟!

محتکرین اعدام خواهند شد و زنان
و نوجوانان بیوه و اطفال
و ناز پرورده آنها بیوه و در بدر
افتد گشت.
بر فرق زمانی که تا دبروز زر و
بر بدست آرایشگران آراسته میشد
و خاشاک عزا باشیده خواهد شد
بست و بستانی که با کلونند و کویه
پس زینت میشد مشتهای سوگواری
پوبیده خواهد گشت.
تهای اطفال عزیز و دردانه که
ببان حریر و اطلس غوطه میزد در
پای کوبهها و در روی خاکروب هادست
با خواهد زدو کخهائی که سر با آسان
کیده و بران شده و بردههای زربفت و
نالی های ذقیبت و اثاث تجیل آتش
گرت و باشاک بکسان خواهد گردید.
هیکلهای منحوس ، قیافه های باد
کرده از نفوت و تکبر ، چشپهای ترمز
شده از شهوت و تفرعن بیای داورها
کنیده خواهد شد و خونهای کثیفی
که صاره رنج و بد بختی و حاصل
گرستگی و بیثوائی صدها هزار فرزندان
انداست بظاک سیاه ریخته خواهد گشت

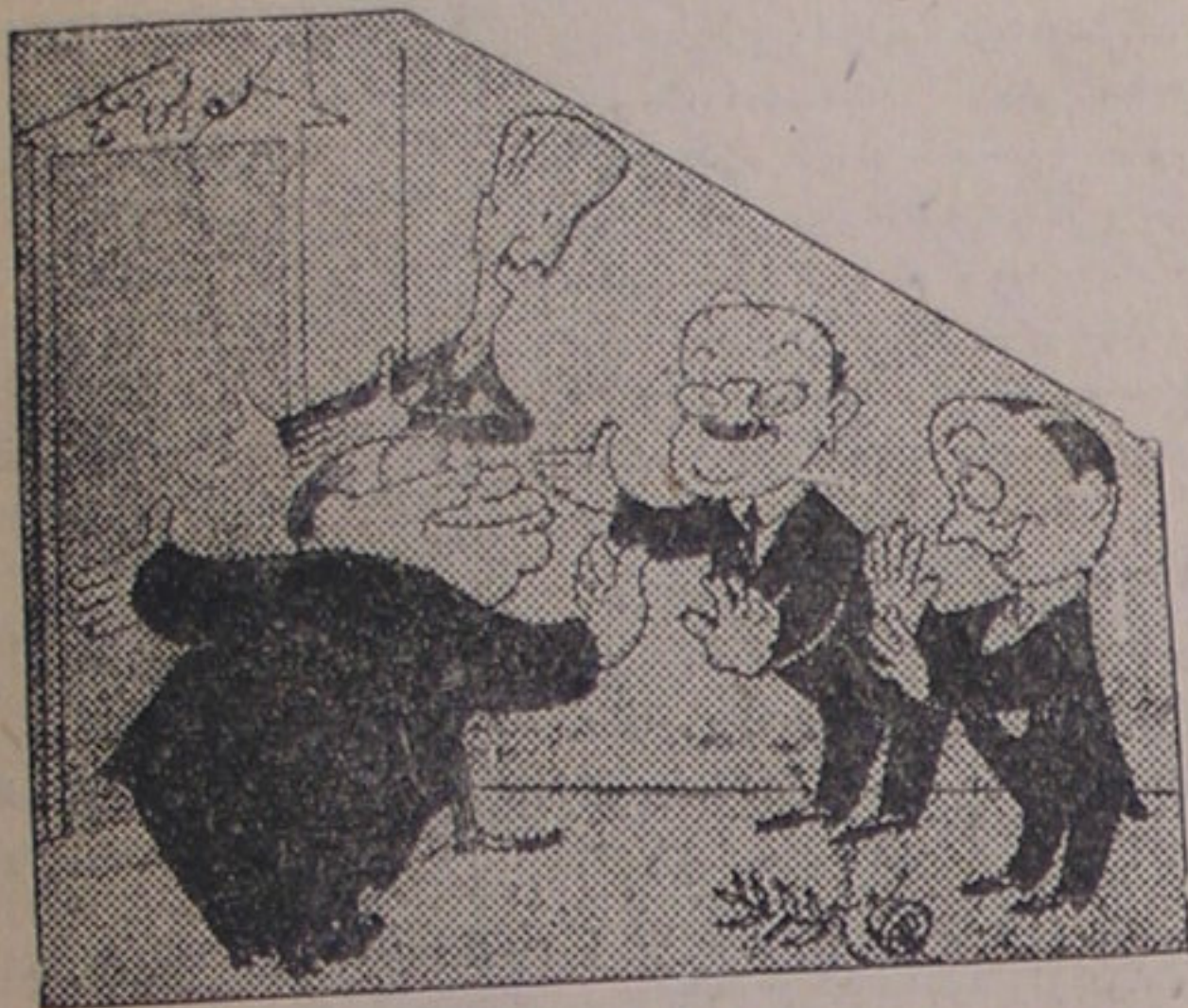
آیا نیابزدلی، نابود میشود؟! آیا گره زمین بزودی مانند گره ماه بیک گلوله مرده و جامد بدل خواهد گشت!

قلبهای سنگ و بی عاطفه که معنی ترجم
و عدالت تاکنون در آنها رسوخ نکرده
و جز برای طلاو شهوت ضربان نداشته
و غیر از بنش و شرارت و بستی هیچ
حسی در آنها راه نیافته از جریان و
حرکت خواهد افتاد
محتکرین اعدام خواهند شد
محتکرین دزدوبی شرف، محتکرین
بست فطرت و جانی بزودی خواهند
هانست که پنجاه میلیون از نخبه ترین
اولاد بشر از حساس ترین و سالم ترین و
با ایمان ترین افراد دنیا برای این در
شاک و خون غلطیده اند که این مشته
جانوران کثیف این دسته دزدان پیشرف
و این گروه بست فطرتان بی همه چیز
مانند رذل ترین کرده دارها سر راه بر
بقیه در صفحه ۲

اختراعی که بمب اتمی در مقابل آن هیچ است!

دبروز آخر وقت رادیوهای خارجی خبر دادند که علماء آمریکامونق
بکشف سمی شده اند که به مراتب از بمب اتمی خطرناکتر و مهمکتر میباشد
این سم بوسیله طیارات معمولی در هوا پخش میشود و خاصیت آن این
است که نواخی وسیعی که مورد اثر این سم واقع میشوند مواد حیاتی در آنها
از میان رفته نه تنها انسان و حیوان بلکه درخت و گیاه هم برای همیشه آتاروش از
آن نواخی زائل و نا بود خواهد گشت
هنوز خبر جزئیات این کشف اخیر نرسیده است

تعارفات به سبک شرقی ها!



خبر، جان شما ممکن نیست. اول جناب عالی بدرماید! - از مطبوعات فرانسه

ملکه فوزیه در پاریس

ملکه نازلی و فوزیه پهلوی

بادو کامیون هندو آناه و اردپاریس شدند

درفعه ۲



در این اتوبوس جا نیست. اینها همه آخر خطی هستند!!

محتکرین اعدام میشوند

بینه از صفحه ۱
آنها گرفته بایست آوردن نان و آذوقه و لباس و مایحتاج آنها تمام هستی و ثروت آنها را تاراج و غارت نمایند. بزودی ترازوی حقیقت سنج ۱۹۳۹ در بیگانه قنات و در محاکم عالی جناب نصب شده کلیه ترولتمندان بیسای آن احضار خواهند گشت و آنها بیکدیگر در این تاریخ که آغاز جنگ خونینی است، یک سال ساساده، یک دلال کوچک، یک کارآزاد فقیر، یک تاجر بی مایه، یک مستخدم بی چیز، یک سقظ فروش کتنام و یک مقاطعه کار بیکاره بوده و امروز صاحب خانه و زندگی، صاحب دهات و مستزاد و صاحب ثروت و ثمنول شده مضطرب قرار خواهند داد و به آنها خواهند گفت

ای دزدان بوشرف دنیا در میان آتش بدبختی میسوزد و بشر در میان دریای خون غرق میشد و زنان و اطفال در میان آتش فقر و گرسنگی برسان میشدند و شما جنایتکاران برخلاف تمام قوانین، برخلاف کلیه اصول و قواعد انسانی و برخلاف وجدان و شرافت و انسانیت از این بیچارگی و بینوایی بشر سوسه استفاده کرده آذوقه آنها را تاراج کرده بقیمت هستی آنها فروختید، بوشاک آنها را در انبارها بوسایدید و بوسیده شده آنها بقیمت تمام ذخائر آنها با اطفال و زنان دادید

شما افسوسناکانه بقتل رسانیدید چنانچه درجه اول جنگ هستید، زیر آنها که بر روی ایمان و عقایدی جنگ بیکردند مدعی بودند که خواهان سعادت و رفاهت جامعه هستند و هیچگونه هدف مالی ندارند در صورتیکه شما هیچ آرزو و هدفی جز جمع ثروت و تحصیل مال و غارت مردم نداشته اید! مشتهای غارت شده ما گرفته خواهید شد فریادهای بنفش و نفرت هوارا مرتضی خواهد کرد.

و سیل لنت و فتن و نفرین و آب دهمان اجساد متفقین این نیابتکاران بقتل رسانیدند و تا خواهد برد، هلت حیات پر افتخار خود را تجدید خواهد کرد، و تو تمدن درخشنده آن چشم جهانیان را خیره خواهد نمود، و عظمت و عدالت آن انظار عالیان را جلب نموده در اطراف و اکناف عالم، فریاد تمسیر و نمره تقدیر بلند خواهد شد.

زنده باد کشوری که برای تجدید حیات خود از روز ستار که جنگ نامروز بیش از صد هزار خاستن خود را تسلیم نیکوین کرده است، زنده باد مملکتی که بخواهد زندگی شرافت مندانه نبوده و بپایند باد ملت که برای انتقام و سر بلندی خود، رهای دزدان، خیانت کاران، مسئولین شکست و بدبختی خود را در خاک و خون می غلطاند اما ما چگونه!

ما و از این نعت و تاج کبان و ما اولادان خلف داربوش و شایور، ما چاکر میکنیم، و چه خواهیم کرد! بسر واضح است، امروز هم مثل امروز منتظر میبومیم، یک نماینده ستار، یک روزنامه نگار، یک افسر، یک مامور، یک نماینده کارگران جهانی روی سیاست های با بران آمده آذوقه مسامحه شسته و کتل راه انداخته، اتحادیه او کش ها، اتحادیه جغد رفر و ش اتحادیه آب حوض کش ها اتحادیه پر تقال فروشها، اتحادیه چار نماز پناه، اتحادیه نظافت ها، اتحادیه شرک جیها، اتحادیه عراق کشها، راه انداخته با پای برهنه و بی شلوار زیر توپهای چلوار روسی، فریاد زنییم،

زنده باد رفیق لوئی سیایان
هرک بر ناز رفیق فرانکو
من با شما شرط می بندم و قسم یاد میکنم که اگر از هزار نفر

باشکستن دست يك طوله سك

عشق آتشین پایان یافت!

من هر وقت اسم (ماری) یا (ژاک) یا شهر (لیون) را که مسکن آنها است می شنوم، بسی اغیار بخش کلونیم را می گیرد.
در خود يك نا راحتی و اضطراب مخصوصی احساس می کنم نه اینکه گمان کنید این تغییر حالت من بعلت آنست که (ماری) (ژاک) را بین ترجیح داد و با او ازدواج کرد، خیر، بلکه علت آن واقعه ایست که اکنون برای شما خواهم گفت: من و «ماری» همکلاس بودیم، از همان وقت با هم آشنا شدیم و نسبت بهم انس پیدا کردیم.
اما ناگهان (سرخری) بنام (ادوارد) در زندگی ما پیدا شد و در عشق ماری با من شروع بر قیافت کرد هر کدام برای جلب محبت او بیشتر می کوشیدیم.
اما «ادوارد» از آن آتشپاره ها و کهنه کارها بودی دانم چطور بالاخره دختره را گول زد، بطوریکه ماری تقاضای ازدواج مراد کرد و پس از مدتی با ژاک ازدواج کرد.
پس از جشن عروسی منم مجبور شدم مثل سایر دوستان برای آنها يك چشم روشنی بفرستم.
پس از تردید زیاد بالاخره يك سرویس جامی خوری نقره خریدم برای آنها فرستادم پس از يك هفته ژاک از طرف اداره مامور لیون شد و از باریس

کس بهتر از قوام السلطنه نمیتواند در این مملکت کار کند ولی اگر از من سؤال شود آقای قوام - السلطنه برای رفع مصائب مملکت و ایجاد بهبودی چکار میکند؟ من از جواب عاجز و ناتوان خواهم ماند
فقر و بدبختی عمومی روز بروز شدت میکند، نامنظمی، و هرج و مرج روز بروز توسعه می یابد. خزانه مملکت روز بروز تهی تر میشود، قیمت اجناس و سطح زندگی روز بروز بالاتر میرود، مغتصبین و دزدان روز بروز موقعیت خود را محکم تر میکنند، غارتگران و چاول پیمان روز بروز در امور اقتصادی کشور وارد تر و مؤثر تر میگردد، فساد اخلاق و نا رضایت عمومی روز بروز شدت میکند، سیاست خشک و خشن خارجی روز بروز از این همه گرفتاری بیشتر سوء استفاده میشود.

قوام السلطنه تنها است. او دست تنها با تمام حسن نیت با تمام فعالیت و با تمام شخصیت خود نمیتواند بر اینهمه مشکلات فائق آمده و اینهمه دردهای بی درمان را دواند.
او محتاج به کمک است و متأسفانه و بدبختانه آنها بیکدیگر بعنوان کمک دور او جمع شده و مدعی همکاری و خدمت گذاری هستند. هائیهائی میباشند که بیشتر مصائب کنونی در اثر سوء استفاده و خیانتها و جنایتها آنها است.
ابوالقاسم امینی در مدت ریاست بخش متهم به میلیونها سوء استفاده است و يك قسمت عده غارتگریها در این کشور بدست قابل امینتها شده است.
بزرگ انحصارها و انحصارها اساس غارتگری دزدان بازار و ناچ شدن تجارت مملکت است، اینها و دهها فرد دیگر که مسئول فقر عمومی و شکست اقتصادی مملکت هستند، با افرادی که رواج اصول رشوه خواری، و غارتگری ادارات مرهون زحمت و تجارت و شجاعت آنها است، با هفت رنگهای بازار سیاست، دست بدست هم داده روز بروز بر مشکلات اداری و اقتصادی و سیاسی مملکت می افزایند، و معلوم نیست آقای قوام السلطنه برای ایجاد يك عکس العمل شدید، و برای بکار انداختن ماشین رنگ زده اصلاحات چه فکری کرده اند!

خبر باید رفت
چمدان را بستم و براه افتادم با اولین قطار به لیون حرکت کردم پس از رسیدن بایستگاه چمدان را برداشته خیلی باطمینان به طرف خانه ماری راه افتادم زنک را زدم و کلفت چاق و چله ای در را باز کرد خانه شیکي بود.
مرا باطابق مہمانخانه راهنمایی کردند و در آنجا با انتظار ماری نشستم پس از لحظه ای ماری وارد شد خیلی از دیدن من اظهار خوشحالی کرد و با صمیمیت دستم را فرستاد بپهلوی هم نشستم و مشغول صحبت شدیم.
از وضع زندگی خود خیلی راضی بود معلوم بود بی اندازه بشوهرش علاقه مند است حق هم داشت زیرا هنوز شربینی ماه عمل در دهانش باقی بود و کارشان بچنگ و دعوا انگیزی بود گرم صحبت بودیم که ادوارد از اداره آمد.
او هم از دیدن من ظاهراً خوشحال شد و مسودبانه احوال برسی کرد اصنافاً زن و شوهر هر دو مهربان و مودب بودند.
ماری سك کوچولوی سفید خود را صدار کرد.
او از دیدن من قدری گوش های خود را تیز کرد دوش را علم کرد ولی پس از معرفی با من مانوس شد و در اطرافم شروع به صحبت و خیز کرد و چیزی ننماید بود که از سروکله ام بالا برود منم که از سک بسم می آید صدایم در آمد.
حیوان بی تربیت کثیف چرا از سر و روی من بالا میروی مگر آدم ندیده بد رو بباری کرده گفتم: او را بیرون

دو میلیون کارمند در نیویورک
در کشور آمریکا نیز مثل ایران هر روز بر تعداد کارمندان اداری افزوده میشود و از این لحاظ دولت آمریکا نیز فوق العاده مضطرب میباشد کارمندان معلی این کشور پس از وقت روزولت و بعد از جنگ تقریباً سه برابر شده است یعنی دو برابر به تعداد کارمندان قبل از جنگ این کشور افزوده شده است شهر نیویورک قبل از جنگ ۱۹۳۹ دارای ۸۸۷۰۰۰ کارمند دولتی بود ولی اکنون دو میلیون کارمند دولتی دارد و چنانکه پیش بینی میشود تا سال ۱۹۴۷ این تعداد دوبرابر خواهد شد.
مرد امروز - خوبتر زیادها را برای بنگاه راه آهن ایران که اینقدر از آمریکا بکلیا استفاده کرد بفرستند!

ملاقات استمالین و ترومن در پاریس
قبل از آنکه مولوتوف برسی در آخرین جلسه کنفرانس پاریس هدیکر را ترک نمایند از مسکو تلفنی به مولوتوف خبر رسید که استالین تصمیم گرفته است در موقع انعقاد کنفرانس صلح در پاریس به آنها آمده و با ترومن ملاقاتی بعمل آورد.
این ملاقات برای تحکیم مذاکراتی است که مدت دو ماه در کمیسیون وزارت خارجه در مسکو در تقییب میاتانی که معاون ابدانو بر پا بود گرفته شد.
بنا بر این اگر کنفرانس صلح بر طبق تابلات دولت مسکو پایان یافته باشد مارشال استالین و برزیدنت ترومن در ۲۰ ماه اوت و ۲۰ ماه سپتامبر هدیکر را در پاریس ملاقات خواهند نمود.



خانواده سلطنتی مصر

ملکه نازلی و فوزیه پهلوی با دو کامیون هندوانه وارد پاریس شدند!

مدتی است که ملکه نازلی مادر ملك فاروق با تانق دخترانش بیاریس مسافرت نموده و در پارتمانهای ۴۲۸ - ۲۰ مہمانخانه ماژستیک پاریس اقامت گزیده اند.
ملکه نازلی علاقه زیادی بکشور فرانسه مخصوصاً بکوههای من بلان دارد و با نتیجه در دامنه کوه مسکن گرفته است هر روز عده زیادی از اهالی پاریس برای تماشای ملکه کوه من بلان میروند مہراهان ملکه عبارتند از فائقه و فریده و فتنیه و زن ملك فاروق.
ملکه نازلی زبان فرانسه را دوست داشته و با آسانی تکلم میکند موقی که وی وارد فرانسه شد از مستقبلین تقاضا نمودند که او را مادام خطاب نمایند نامبرده از آبار تان خود بیرون نیامد و خود را بروز نامه نوبسها نشان نمیدهد زیرا از مطبوعات بیزار است باین مناسبت تاکنون کسی نتوانسته است راجع به فوزیه با او مصاحبه ای بعمل آورد.
ملکه کلیه خواربار و مواد غذایی که باید در مدت اقامت خود در پاریس مصرف نماید همراه برده است موقتیکه وارد مہمانخانه پاریس گردید با سیب سفر فقط دو کامیون هندوانه و خربزه و سبزیجات با خود بفرانسه آورد زیرا علاقه زیادی به سبزیجات بخصوص هندوانه دارد ملکه پیران سفیدی با گلپای بزرگ قرمز رنگ و کلاه حصیری بزرگی پس داشت و يك دست گل سرخ نیز در دست داشت شاهزاده خانها پیران آبی کم رنگی در بر داشتند ملکه سعی میکند بطور ناشناسی در پاریس زندگی نماید.

کلیه اصلا بودن سک در خانه چه معنی دارد.
ماری از دستور العمل من چندان خوشش نیامد و معلوم بود بیشتر علاقه مند است این دستور در باره خود من که بی مقدمه مثل ساعت بر سرشان فرود آمده ام اجرا کند ولی ظاهراً بروی خود نیارود.
در ضمن صحبت وقتی فهمیدند من برای دوهفته مہمان آنها خواهم بود، زن و شوهر پس از مشورت بیکدیگر از اطاق های میله خود را در اختیار من گذاردند اطاقی را که بمن اختصاص داده بودند از همه اطاقها شیک تر بود، قالی يك پارچه ایرانی، تابلوهای شیک، کوسن ها و پرده های آبریزی و میله های چوب گردوی زیبایی در آن وجود داشت روی بکی از اوسال های راحتی نشستم باها را دو هم انداختم بعد بیب خود را از چمدان بیرون آوردم در آن توپون ریختم و شروع بکلیس کردم آنوقت دستم را حایل سرم کردم در فکر دورو درازی فرورفتم کم کم در اثر خستگی مسافرت کاملاً بیحسب و زدن کشیدم بعد از یکسری ساعت که بیدار شدم دیدم بیب روی زمین افتاده وقتی آنرا از روی زمین برداشتم ملاحظه کردم مقداری از قالی را سوزانده است، عیب بلاخواهی بود کاش بخواهی بودم در صد چاره جوئی بر آمدم دست روی محفل سوختگی مالیم که که باطراف سرایت نکند، دستم بسوخت تنک را برداشته مقداری آب بقیه در صفحه ۳

ملاقات استمالین و ترومن در پاریس
قبل از آنکه مولوتوف برسی در آخرین جلسه کنفرانس پاریس هدیکر را ترک نمایند از مسکو تلفنی به مولوتوف خبر رسید که استالین تصمیم گرفته است در موقع انعقاد کنفرانس صلح در پاریس به آنها آمده و با ترومن ملاقاتی بعمل آورد.
این ملاقات برای تحکیم مذاکراتی است که مدت دو ماه در کمیسیون وزارت خارجه در مسکو در تقییب میاتانی که معاون ابدانو بر پا بود گرفته شد.
بنا بر این اگر کنفرانس صلح بر طبق تابلات دولت مسکو پایان یافته باشد مارشال استالین و برزیدنت ترومن در ۲۰ ماه اوت و ۲۰ ماه سپتامبر هدیکر را در پاریس ملاقات خواهند نمود.

ترجمه: پرویز لادین
از سامدی سواتر

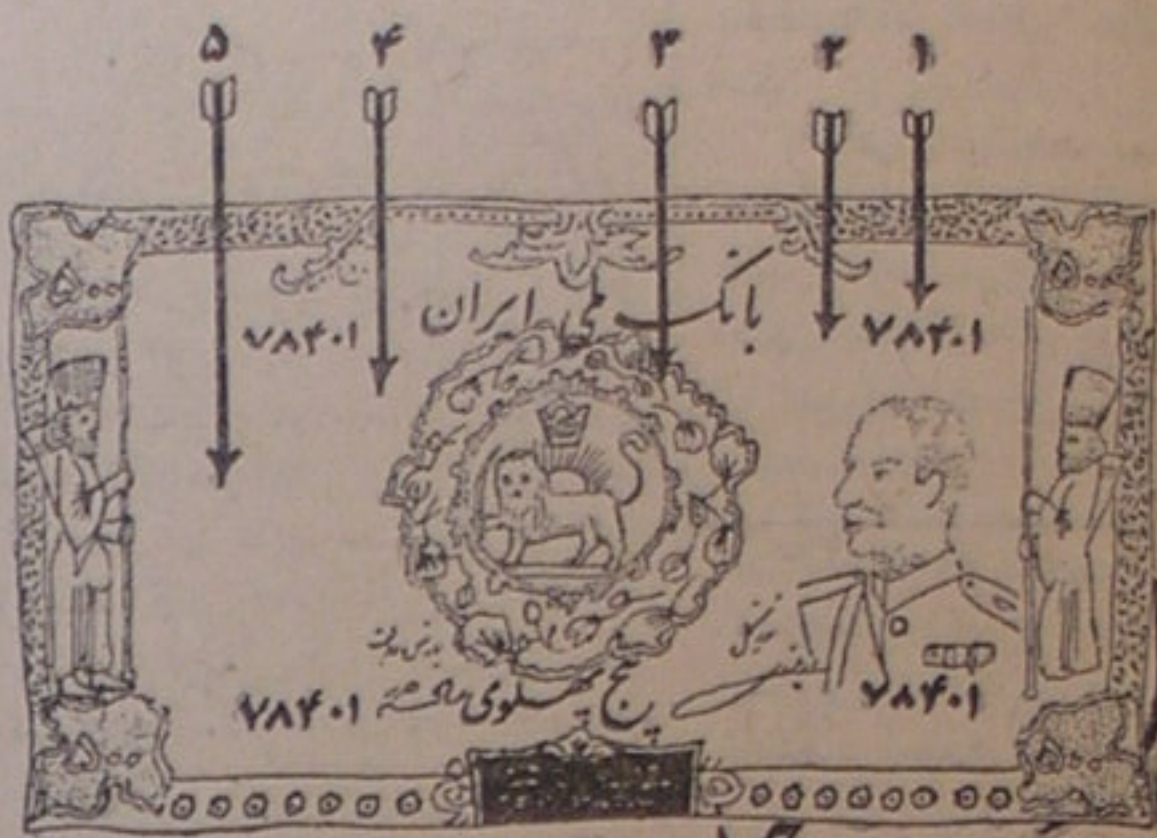
جعل اسکناس

بجای گیمپیاگری

اسکناس پول گار نگرده و بی زحمتی است
که با آن میشود همه کار کرد.

منا - فانه اختیار بدست آوردن این پول باد آورده را فقط

دولتها بدست آوردند



فرق اسکناس جعلی ۵۰۰ ریالی با اسکناس‌های سالم

- ۱ - ارقام اسکناس جعلی عموماً پنج رقمی می باشد و اعداد درشت تر از اعداد اسکناس های صحیح است.
- ۲ - شماره اسکناس فاقد شماره سری میباشد
- ۳ - رنگ آمیزی اطراف شیروخورشید نا مرتب و آن برجستگی مخصوص خود را ندارد
- ۴ - امولا رنگهای زمینه و اطراف اسکناس جعلی مرتب و دقیق نیست و با یک توجه دقیق می توان پی برد که اسکناس جعلی است یا صحیح.
- ۵ - سمت چپ اسکناس های صحیح اگر در روشنائی گرفته شود عکس سر نیم تنه شاه سابق محسوس و مرئی است این نقش در اسکناس های جعلی دیده نمی شود.
- ۶ - اسکناس های جعلی از روی مدل اسکناس های ۵۰۰ ریالی ۵۰ ریالی شاه سابق انتخاب شده بود

در حدود یکسال و نیم قبل خبری در مجرانه ما منتشر شد که در میان اسکناسهای آذربایجان و بنگال و هندوستان اسکناسهای جعلی یافت شده که تشبیه آن با اسکناسهای اصلی از عهده هر کسی ساخته شده باشد بدین معنی که ممکنست افراد برای خبر که جنبه خاسرجی داشته و مربوط به بانک خارجی بوده جنبه داخلی داده و برای کسر اعتبار اسکناسهای شهرت را داده اند بهر حال کشف اصل قضیه موضوع را روشن خواهد ساخت البته خواننده گان محترم ما بیاد دارند که چندی پیش بیش از چند میلیون لیره ترک اسکناس گویا ۵۰۰ و ۱۰۰۰ لیره ای که برای کشور ترکیه در کشور انگلستان چاپ شده و در صندوقهای بسته با کشتی مخصوصی به ترکیه ارسال شده بود در بین راه مفقود و دولت ترکیه ناگزیر گردید سری اسکناسهای مزبور را اعلام و آنهارا فاقد اعتبار معرفی نمود و مراتب با اطلاع کلیه بانکها و کشورهای دنیا رسید تا ارائه دهنده آنها دستگیر گردد.

در ساعتی که شایب اطمینان کامل از سلامت جاری، در خرید و فروش عادی بازار، در اداره اذکار و اراضی اسکناسهای مختلفه ام از نو و بهر حال اطمینان کامل دریافت نمیشود و طرف یک شخص جاهل مقادیر زیادی اسکناسهای ۵۰۰ و ۵۰۰ ریالی چاپ و در دسترس عموم بجهت بیچارگان قرار میگیرد.

معلوم میشود گزارش صحیح بوده است چهار ماه بعد بانک بی می برد که گزارش مأمور آگاهی مبنی بر وجود اسکناسهای مجهول در بازار صحیح بوده است زیرا طبق نامه ۷۱۴ - ۲۳۸۸۷ بانک ملی اعتراف مینماید که از اول آبان تا ۲۰ آبان ماه مزبور ۵ قطعه اسکناس ۵۰۰ ریالی تقلبی که بیاجها ارائه گردیده کشف گردید ارائه دهنده گان و دارنده گان اسکناس های مزبور بلا درنگ از طرف مأمورین مورد تعقیب واقع و چون اظهار میداشتند از دیگران دریافت نموده اند از چندین نفر در این مورد بازجویی بعمل آمده چنین معلوم شد اسکناسهای مزبور بدون توجه به جعلیت آن چند دست رد و بدل شده است موقعیتی حاصل نگردید نسبت به شناسایی جاعل اصلی بکلیه مأمورین مربوطه و شهرت این شهرت است دستور لازم صادر گردیده و آنچه در نتیجه بازجویی و استعلام عقیده کارشناسان چاپ ایتقبیل اوراق مستفاد و بنظر می رسد بقیه دو صفحه ۴

امپراطوری که لباس وصله

شدلا میپوشد

یک بیوگرافی از زندگی اخیر هیرو هیتو امپراطور ژاپن
متمول ترین و خسیس ترین مرد دنیا



امپراطور مانند اشجاس عادی در خیابانها راه می رود و با خانواده سلطنتی گردش مینماید ، عکس برداری از آنها

هیرو هیتو امپراطور ژاپن چهل و پنج سال صبر نمود تا سعادت که انتظار آنرا داشت نائل گردید نامبرده امروز هفتاد و پنج ساله تولد خود را جشن میگیرد و برای اولین مرتبه در زندگی خوشحال بنظر میرسد و این خوشحالی را مدیون امریکائیا میدانند بدستور ماک آرتور فرمانده امریکائی امپراطور را از معرابی که در آنجا مورد پرستش ژاپونها قرار میگردت بیابین آوردند و او را مجبور نمودند که در کوچه و خیابانهای ژاپن بگردش پرداخته و جوانی حال اهالی گردد

هیرو هیتو تا قبل از پیاده شدن امریکائیا بژاپن هیچگونه تماسی با ملت خود نداشت ولی اکنون هر روز با اسکورت معدودی بصر کشی و رسیدگی بحال کارگران و فقرای محله های مختلف توکیو میرود ژاپنها سابقا امپراطور خود را فقط بیست و پنج مرتبه در سال در تشریفات رسمی مشاهده مینمودند امپراطور در آنوقت اونیفورم محکمکی پوشیده سوار اسب سفیدی میشد بعد در گوشه با حفظ الوهیت نیروهای خود را که که بیچرکت و مانند جمسه از جلوش رژه میرفتند سان میدید

امروز پسر خدا لباس نظامی را بدور انداخته و مانند اشجاس معمولی کت وشلوار سیول در بر مینماید و هواره بسا بیهوهای خود در سواحل ایسیکی وهایانا به بازی مشغول میشود اخیراً یکی از عکاسان امریکائی از هیرو هیتو در حالی که در ساحل بسویله موجی غافلگیر شده و مشغول شنا بود عکس برداری نموده و در روزنامه ها منتشر ساخت این عکس انعکاس عجیبی در محافل محافظه کار ژاپنی تولید نموده و در روزنامه ها نامه های اعتراض بیشمار مبنی بر اینکه مقام امپراطور بالاتر از آنست که بدین وضع شنا نماید منتشر نمودند ولی هیرو هیتو باین اعتراضات اهمیتی نداده و آنرا مسخره می بندارد و از دمکراسی شدن حکومت امپراطوری خوشوقت است بر خلاف سابق که برای همیشه در پشت قصر امپراطوری بحال محبوس بسر میرید هر روز سوار اتومبیل شده و با مردم در خیابانها بصحبت میردازد مردم از این روش بی سابقه امپراطور حالت عجیبی از خود نشان میدهند و همین عمل باعث تفریح امپراطور میگردد.

زندگی خصوصی هیرو هیتو که سابقا کاملاً برهه پوشیده و محرمانه بود کم کم آشکار و منتشر میگردد.

چنانکه همه میدانند هیرو هیتو یکی از بزرگترین متولین دنیا بشمار میرود ولی مع الوصف یکی از خسیس ترین و مقصد ترین مرد دنیاست هیرو هیتو مداد را بعدی استعمال میکند که تاس ناخن کوچک میشود لباس و پیراهن زیر را قدری تمپوشد که گاهی اوقات چندین مرتبه رفو و وصله مینماید و با وجودیکه بسیکار متناد میباشد مانند سایر مردم ژاپون جیره معمولی رایجی در روز فقط چهار عدد سیکار استعمال مینماید.

باشکستن دست يك طولاه ساي

بقیه از صفحه ۲

روی آن ریختن و بعد بجزره را بساز کردم تاوی سوختگی بیرون برود پس از فراغت از اینکار با کمی تسرس و لرز از اطباق بیرون رفتم در همین موقع ماری مرا برای صرف شام صدا کرد باطابق غذا خوری رفتم و با ماری و شوهرش بصرف غذا پرداختم پس از غذا برای اینکه تفهید چه دسته کلبی آب داده ام باسم اینکه در آنسر

مسافرت خیلی خسته هستم با لباس شب بخیر گفته باطابق خود آمدم لباسم را از تن بیرون آوردم و روی تخت دراز کشیدم و چون میخواستم هرچه زودتر خوابیده و از فکر کاری که کرده و دم خلاصی پیدا کنم دست بطرف چراغ شب که روی میز بپلوی دتم بود بردم که آنرا خاموش کنم ، اتفاقاً دستم بشدت به لامپ خورد و آنرا شکست بی اندازه از اینکار نادم و پشیمان شدم اما چون کم کم داشتم باین حفاقتها عادت میکردم سرعت لعاف را روی سر کشیدم و خوابیدم . نزدیک نصف شب بود که بیدار شدم بی اندازه تشنه ام بود و در ضمن چون درهای اطباق را بستم بودم گرما اذیتم میکرد دست بردم چراغ را روشن کنم یادماند اول شب خدتمش رسیده ام . آهسته از جا بلند شدم و رفتم پشت بجزره و برده را عقب زدم تاریکی برهه جاس حکمفرما بود ، چون خیلی تشنه ام بود بفرم رسید باطابق حمام که جنب اطاقم بود بروم شاید يك لیون آب پیدا کنم . یادماند اول شب يك تنک آب روی میز بود بر کشتن و شروع بچستجو کردم ولی هرچه بکشتن از تنک آب انری نبود بالاخره بسواز جستجوی زیاد دستم بچیزی شبیه بیلیون خورد ، از این کشف بزرگ خیلی خوشحال شدم اما بدبختانه انگشتنمایم رفت توی لیوان و لیوان بر کشت روی میز و مقداری از آب آنهم روی قالی ریخت . در صدد برآمدم باطابق حمام رفته و يك حوله بیابوم و آنهارا خشک کنم . با عصبانیت تمام کورمال کورمال درحالیکه دستم را بدیوار گرفته بودم بطرف دراطاق که کلید برق نزدیک آن بود رفتم کلید را چرخاندم و چراغ روشن شد حوله را برداشتم و آمدم وقتی نزدیک میز رسیدم از مشاهده منظره ای خون در در کهایم منجید شد ، چه بجای آب دیدم قسمت بیشتر رومیزی و مقداری از قالی جوهری شده است معلوم شد آنچه را که من لیوان آب خیال میکردم لیوان بوده بلکه دوات جوهر بوده است ، بدیوار نگاه کردم دیدم هیئتطور که کورمال کورمال دستم را بدیوار گرفته ام ، از نزدیک رختجواب گرفته تا دم دراطاق اثر انگشت های جوهری من بر روی دیوار باقی است ، این دیگر خیلی افشاح بود بدیوچه هم قابل ترمیم نبود ، فهمیدم که امشب اولین آخرین شبی است که من اینجا خواهم بود صبح باید چل و پلاس را برداشتم وقت ، شوشی نبود در آنوقت اگر کاردم می زدنم خونم درنی آسود . دیگر نزدیک صبح بود . با عصبانیت باطابق حمام رفتم استحمام کردم و پس از آن صورت خود را تراشیدم ، از اوقات تلخی چند جای صورتم را بریدم ، بالاخره بهر نحوی بود از حمام بیرون آمدم لباس پوشیدم و با اوقسانی تلخ برای صرف صبحانه بسالون رفتم .

ادوارد و خانمش منتظر من بودند ادوارد از دینش قیاه گرفته و اخم آلودمن وحشت کرده با تعجب پرسید:

— ژاک عزیز چه اتفاقی افتاده ، چطور شده ؟

— هیچ !

— آخر !

منم مجبور شدم قضایا را از اول تا آخر به تفصیل برای آنها بگویم ، هر دو اوقاشان تلخ شد و اینها پشان در هم رفت ولی ادوارد بسرای حفظ نزاکت بزور لبخندی زده گفت :

— اوه ، دوست من ، هیچ اهمیت ندارد ، اسلام از این اطباق پشم می آید ، خیلی از تو متشکرم که این کار را کردی

ماری رنگش بریده بود و لبانش می لرزید . من دوباره گفتم :

راستی خیلی کار بدی کردم بی اندازه متأسفم و معذرت میخواهم قالی را باید عوض کرده دیوار را دو باره رنگ کنی خواهش می کنم پس از رفتن من صورت مغارج را برابم بفرستید ... ولی ماری صحت را قطع کرده گفت «ژاک بهتر است دیگر از این موضوع صحبت نکنیم» ولی اشک دور چشمهایش حلقه زده بود و بیون شک اگر من بسورتش نگاه نمیکردم بنفش میترکید و کره را سر میداد اما خود داری کرد و گفت : بفرماید جای حاضر است در ضمن جای يك کفه بقیه در صفحه ۱۱

هیئتار کسی که باعث مرک ۲۰۰۰۰۰۰۰ نفوس گردید

آیا موسولینی مانع فتح مسکو گردید

«اسرار بزرگ جنگ اخیر»

روزنامه مرد امروز بزودی «اسرار بزرگ جنگ اخیر» که در بایگانی سری و محرمانه ستاد ارتش آلمان بدست آمده و در دادگاه نورنبرگ فاش گردید بقم ریوند کارتیبه منتشر مینماید



صلح - چرا پرهای کبوتر مرا میکنند !
- برای اینکه دیگر از پیش ما پرواز نکنند !
نقل از (ایسی باری)

سطح زندگی و قیمت اجناس؟

باجوب و فلک ممکن است و پشیر

بقال را با قیمت ارزان گرفت !! ولی محال است که با اعلامیه آگهی آنها را تولید کرد

چنانکه ملاحظه شد کلیه عوامل ترقی و بالا رفتن سطح هزینه زندگی بقوت خود بماند است و اگر احتمالاً در یکی از این عوامل تزلزل پیدا شده باشد متأسفانه عدم امنیت عمومی و قضائی جایگزین آن گردیده است و شما هر روز می بینید که چندهزار نفر از شهرستانها بر سر کف کشور هجوم می آورند و در ردیف مصرف کنندگان بی خبر قرار می گیرند. آخر این مادر مرده در شهر خود بسا زراعت داشته و باسجوبانی بوده است که امروز بر اثر فشار امنیه یا رشوه خواستن مأمورین مالیه و عدلیه پس از پایان خدمت وظیفه بجان آمده و از یار و دیار دل برکنده و اکنون در پایتخت شاهنشاهی سر بر بالین سنگ می گذارد و روزگاری سگ میگرداند بالاخره کسی که تا دیروز تولید کننده بوده است امروز بیکار و عاطل و باطل می گردد در صورتیکه میزان مصرف بیچوجه تغییر ننموده است.

شما اگر اهل مطالعه و دقت می باشید، اگر میخواهید علل فقر و تنگ دستی را بیابید، اگر مایل هستید موجدیات کم بود عرضه را نسبت بتقاضا تشخیص دهید یک روز در خیابانهای این شهر گردش کنید و تعالیم اکثریت ایندگرگان متحرک را دقیقاً زیر نظر بگیرید تا ببینید در یابید که کشور ما خواه بسا ناخواه رونق و باطنی میبرد.

شما تنها همین خیابان نادری (شاه) را گردش کنید تا ببینید چند نفر جوان لیس بی تار یک کلاه فقط در دست دارند و آنرا برای فروش عرضه میکنند در همین خیابان تعداد مسالیهارا حساب کنید توجه داشته باشید که چند نفر آنها بیکار و بادی در دست گرفته و بای خود را در چوبی آب گذاشته بی کار و بی شتری روزی بشت می آورند و اگر تردید نموده که لایه کاری دارند و اعلاشی می نمایند بساط و دکان او را زیر نظر بگیرید تا ملاحظه نمایند مغازه خود را با برده دوخته است.

در قسمت اول بساط کار و در قسمت دوم لوازم خواب و راهراه ساخته است آنوقت متوجه میشوید که یک فرد نال این کشور روزی یک یادوسر میترشد و در جوی مقابل مغازه اش استجمام مینماید و در قسمت دوم همان مغازه میخواهد و دلشوش است که متصدی مسئول و مدیر کل آراشکسای خلدبرین بوده و عضویت

من خیال میکنم تادولت قانون کار اجباری را نگذارد و این دسته های بزرگ مردم بی کار را اجباراً بکارهای تولیدی مشغول ننماید و بر میزان محصولات بیفراغی ممکن خواهد بود که ترشها تنزل نماید و در سطح هزینه عمومی حاصل شود.

بنابر این مادام که دستگاه ماکه یک سیاست مشخص اقتصادی و یک برنامه مطول تولیدی نداشته باشد و سیاست روز کدر و اصول سیل بازی برقرار باشد محققاً کاری از پیش نخواهد رفت.

رویداد

ورود لویی سایان و جریان چندروز اخیر

هفته گذشته لویی سایان مشی کل سندهکای جهانی در پاریس با هوا بسا وارد تهران گردید.

از طرف کارگران و احزاب مختلف و اتحادیه ها استقبال شایانی از ایشان در فرودگاه مهرآباد بعمل آمد.

روز شنبه چندین هزار نفر از کارگران و آزادخواهان در برابر نامبرده رژه رفتند و نطقهای مونسری ایراد شد.

لویی سایان روز یکشنبه در کاخخانه دولتی بازرسی نمود نامبرده از آتشی مظهر فیروز ملان سیاسی نخست وزیر و از آقای نخست وزیر ملاقات نمودند.

از طرف انجمن روزنامه نگاران بافتار مشار الیه جشنی ترتیب داده شد.

لویی سایان روز سه شنبه با هوا بسا باصفهان رفت و سازمانهای کارگری آنجا را بازدید نمود سپس به چالوس رفت و بعد با هوا بسا عازم آذربایجان گردید تا سازمانهای کارگری تبریز را مشاهده نماید لویی سایان پس از مشاهده اوضاع اتحادیه کارگران تبریز بجای پاریس پرواز می نماید.

در همه نقاط مقدم لویی سایان با خرسندی هادباش و استقبال بی نظیری بعمل آمد و نطقهای مونسری ایراد می گردید.

استفاده طبی از نیروی اتم

بر طبق تحقیقات علمی پرفسور کوکیت می توان در آتیه از نیروی اتم بلی درست کرد که بی اندازه قوی بوده و در سازمانهای علمی طبی و تشریحی از آن استفاده مهم نمود.

پرفسور نامبرده معتقد است که تا آخر سال ۱۹۴۶ موقت بساختن این بیل اتمی بشود که علاوه از استفاده علمی این بیل برای ایجاد جریانهای قوی رادیو اکتیو بمنظور اداره خط حرکت بسب های برنده نیز بکار خواهد رفت و اینک وزارت هوا بیماشی انگلستان در این خصوص دستورهایی بر پرفسور نامبرده داده است.

سفیر کبیر ایران و ساختن مسجد در واشنگتن

مسجدی که قرار است در بخش دیپلماتها در واشنگتن بنا شود مبلغه میلیون دلار هزینه ساختن آن خواهد شد و اجتناب بریاست سفیر کبیر ایران و عضویت سفرای افغان و عراق و مصر و ترکیه و سایر کشورهای اسلامی تشکیل و نقشه مسجد توسط مهندسی عالی مقام تهیه و دست بکار ساختمان میگوند که در سال گذشته در یک مجلسی آقای محمود حسن باشا سفیر مصر چنین پیشنهادی را کرده و مورد تصحیح نمایندگان سیاسی کشورهای خاورمیانه واقع شد و از جمله اشخاصی که برای ساختمان این مسجد اعانه داده اند علیحضرت ملک فاروق و جناب آقا خان می باشند.

مردم روز: در امریکآ آب حوضی مثل آب حوض مسجد شاه برای وضو از کجا بیایم کنند !!

بقیه در صفحه ۹

جعل اسکناس

بقیه از صفحه ۳

این بود احتمال داده میشد که قبلاً از اسکناسهای ۵۰ ریالی ۵۰۰ ریالی سالم هکس برداری شده و بعداً کلیت آن را تهیه و بوسیله دستگاه کوچک چاپ طبع و مورد سوء استفاده قرار گرفته است و چون ممکن بود دامنه انتشار قبیل اسکناسا ادامه باید بانک ملی مراتب را در روزنامه ها و رادیو انتشار داده و مشخصات اسکناس جعلی را از اسکناسهای صحیح اعلام داشت تا مردم متوجه باشند و فریب نخورند.

مقتاسفانه این اقدام همنقدر که در باز نمودن چشم و گوش مردم تاثیر داشت در مطلق ساختن مرتکب اصلی و شرکایش بی تاثیر نبود زیرا از همان تاریخی که جریان بالا منتشر گردید فوراً مرتکب دست وبای خود را جمع کرد از اسکناسهای معمول خوش منتشر نمود. و بدین طریق دامنه تعقیب تبه کار اصلی متوقف ماند.

تصادف کار خود را کرد!

هشت ماه گذشت، اداره آگاهی ونه بانک هیچکدام نفهیدند که بالاخره چه باید کرد تا جاعل اسکناسهای ۵۰ ریالی و ۵۰۰ ریالی را دستگیر نمود، هیچ نشانی و مدرکی از مرتکب بدست نمی آمد.

اتفاقاً در اینجانب تصادف بکمک اداره آگاهی و بانک ملی آمد، زیرا بدون هیچ کجکاوی و رسیدگی تبه کار اصلی بعام افتاد جریان قضیه بدینقرار است که:

روز ۲۰/۵/۲۰۲۰ آقای مجیدیان رئیس قسمت نشر اسکناس بانک ملی و محسن خطیر کارمند شعبه بانک ملی بازر با یکمقدد شیشه گراور اسکناس ۵۰ ریالی خود را با داره آگاهی معرفی نمود و شخص اخیر اظهار نمود که آنرا از عبدالله بنیانی کارمند وزارت دارائی مستاجر خانه خود گرفته ام.

بلادرنگ مأمور آگاهی و نماینده دادسرای دیوان کبیر منزل آقای بنیانی را بازرسی می نمایند در اطاق کوچک ایتیار مشارالیه مقداری اشیاء و ابزار حکاکی و مقداری شیشه و قوطی متوسطی رنگ های الوان و دوی ساختن کلیشه بلاك و مقداری کاغذ بریده و مرکب چاپ موجود کشف میگردد.

منزل محسن خطیر هم همانروز بازرسی شد چیزی بدست نیامد.

کار شناسان بانک ملی پس از باز دید رنگها گواهی کردند که آنها مسلماً برای چاپ اسکناس بکار می رفته است در نتیجه بازرسی کاملی که روز بعد از منزل آقای بنیانی بعمل آمد اثباتیه زیر کشف گردید:

قید عکاسی - شیشه سالم - کتاب صنعت عکاسی - مهر لاستیکی - فورمول ساختن شیشه عکاسی و کبیه گراورسازی کاغذ روغنی - بجای شیشه یک شیشه باندول سه ریالی انصهار دولتی دغائیات استان ۹ - نورد و شیشه های مختلف باندول ۲۰ گرمی و ده ریالی وزارت دارائی قسمت اقتصادی اصفهان - چرخ تخم مرغ زنی برای گرفتن کف سفیده تخم مرغ برای حساسیت کبیه گراور کلیشه زمینه بشت و روی اسکناس ۵۰ ریالی در دو قطعه -

آیا جاعل اسکناس شریک داشت؟

محسن خطیر در بازجویی اظهار داشت روز جمعه ۱۹ مرداد ساعت ۱۰/۵

از اسکناسهای معمول در نیشابور و سبزوار هم کشف شده است.

در تاریخ ۲۴/۵/۳۱ از بانك ملی مرکز خیر می رسد بموجب تلگراف شنبه بانك ملی نیشابور ۴۰۰ برك اسکناس ۵۰ ریالی تقلبی از عباس نام جدایی کشف و ارائه دهنده اظهار داشت برادرم جبار آقا از تبریز آورده و صاحب اصلی آن رحیمی نامی است که در محله ارمنستان تبریز کارخانه دکمه سازی دارد.

بر اثر گزارش بانك ملی نیشابور و ندر بازرسی از طرف آگاهی و بانك محرمانه به نیشابور اعزام میگردد، نامبردهگان پس از ورود بشاهروند و سبزوار بریسی بانك ملی مراجعه و در مقام تحقیق برمی آیند، جبار نام همدست عباس جدایی که معلوم شده جلیل نام دارد اراه دهنده اسکناسهای ۵۰ ریالی در آن شهر بوده

مجلس ترحیم

با نهایت تأسف در گذشت دانشمند معظم جناب آقای میرزا ابراهیم مسعودی استاد دانشگاه و رئیس اداره مستشاری وزارت کشور را که از پیشقدمان طریق آزادی و موسسین مشروطیت ایران بودند باستحضار عموم دوستان و هموطنان گرامی میرسانیم مجلس ختم فقید سید روز یکشنبه ششم مرداد ماه جاری از ساعت ۹ تا ساعت ۱۱ صبح در مسجد مجید منقذ میشود.

سید مهدی رضوی وکیل دادگستری سرتیپ دکتر علی شفا سید محمد تقی شیوا وکیل دادگستری سرهنگ سید محسن مینبی - هنگ هداد سید مهدی معینی احمد کمانگر محمد مسعودی باقر مسعودی مجید مسعودی - حمید مسعودی حسن مسعودی شریفی حسین عبید وکیل دادگستری علی رضوی زاده سید محمود مدبری نوی ذوالعبدیطباطی وکیل دادگستری هادی فرقاتی.

مرد امروز مرحوم میرزا ابراهیم از آزادی خواهان صدر مشروطیت و دانشمندان محترم و چهار دوره اول نماینده مجلس شورای ملی رداشته ما با ابراز تأسف از این ضایع به بازماندهگان آن مرحوم تسلیت میگوئیم

برنده جایزه رادیوی نامه صبا

دو دوچرخه بجای یک دوچرخه

دو نفر در شماره ۵۵۳ را در دست داشتند صبا بجای یک دوچرخه دو دوچرخه داد آقایان مسعود کلهری شاکر در دبیرستان نظام شناس نامه شماره ۴۶۵۴۱، اصغر قالی بان شناس نامه شماره ۵۰۱ کارمند چاپخانه کارون جایزه خود را از دفتر صبا دریافت داشتند.

آقای حسین جبروتی شناس نامه ۱۰۱۲۴ کارمند صندوق بانک ملی بازاری که شماره ۵۳۲۷ صبا را در دست داشت جایزه رادیوی خود را دریافت داشت نتیجه قرعه کشی پنج ساعت روز طلایی بزودی اعلام میشود خواهندگان علاقمند میتوانند عصر های یک شنبه ساعت هفت در مراسم قرعه کشی بزرگ صبا شرکت کنند.

انگلیس ها در خلیج فارس بوسیله زیر دریائی

معادن نفت جستجو میکنند

اخیراً نیروی بحری انگلستان تعداد زیادی زیر دریائی برای جستجوی معادن نفت مجهز نموده است تا بتواند معادن نفت دریا را نیز به انحصار خود در آورد.

این زیر دریائیها فقط در خاور میانه مخصوصاً در دماغه عربستان و خلیج فارس بگوش خواهند پرداخت.

شماره ۱۰

مژده به کوتاه قدان

اختراع جدیدی که قدانسان را بلند و کوتاه میکند

دکتر هربرادان پرفسور دانشگاه کالیفرنیا امریکا ماده اختراع کرده است که بوسیله آن منبع می توان از طول بدن انسان جلوگیری نمود. با بهر اندازه که مایل باشند قد بلند می نمایند نامبرده ابتدا این شیمیائی را روی موش آزمایش نمود ملاحظه کرد که قد موش در مدت ساعت بطور اجهاز آمیزی بزرگ است.

دکتر ادان مدت بیست و هشت روز است که در این مسئله آزمایش می نمود نتیجه حاصل نمی گردید بالاخره ادان در این آزمایش موفق شد که از این راه ماکه بزرگی باشناس نامده است.

در آنوقت از نیشابور فرار کرده نامبرده در خارج سبزوار از اتمس بیاده و بیمنش می رود ولی در دستگیر میشود.

در منزل عباس جدایی (جلیل) شد مقداری رنگ و کاغذ و نوروزی بدست آمد جبار همدست دیگر ۲۰۰۵۲۴ دستگیر شد در منزل از همین قبیل اثباتیه بدست آمد جبار در بازجویی متکرر های تقلبی گردیده ولی اظهار داشت ها را برای نقاشی می خواست مواجه جبار با جلیل معلوم شد می باشند.

جبار گفت: یکماه و نیم قبل هشتمین خود را از تبریز به مشهد آوردم و در برآمد در مراجعت بشهران عبدالله را که در تبریز دیده و می شناسم او مرا همراهش برده و بیع اظهار نمود مقادری اسکناس دارم و می توانم آنرا بصرف برسانی شرکته بخرم آنرا بنده می دهم ۳۸۷ تومان اسکناس ۵۰ ریالی بن داد (۷۷۵) تقی بنیانی مقداری هم اثباتیه نقاشی و شیشه داد تا بسبب سوزان بیاموزم و در دستگاه چاپ اسکناس را در سبزوار مشاهده ملاحظه شد غالباً جبار کند.

از این اسکناسها در حدود تومان خرج شد بقیه موجود بود بازرسی آمد و جریان کشف کرد.

اسکناسهای تقلبی از جای دیگر هم در زمین کشف

نوروزیان مباشر ۲۹ مرداد ۱۳۲۴ بیانک و شهریار نیشابور مراجعه میکنند و اظهار جلیل نام در حدود ۸۰۰ تومان اسکناسهای (اسکناسهای جعلی) برای خرید فالچه برادرین موده داده است و من از ظاهر اسکناسها میکنند آنها درست نباشد فوراً آتیبین صحیح است با تقلبی جواب میدهد همه اثباتیه تقلبی است منزل جبار بازرسی شد در مستراح خانه وی ۱۲۴ اسکناس تقلبی دیگر هم بدست آمد دزد بزرگ بزرگ!

در هنگام بازرسی منزل جلیل نفر بنام علی که حضور داشته بود نظر مأمورین ۸ رشته باندول را که جامه دان جلیل بیرون افتاده بود برداشته و بیرون برد و خیال خودی فروش آن بدست و با افتاد در آنرا بنوروزیان مباشر قریه موده فروخت مباشر هم آنرا بدادسرا آورد مع دزدی که بزرگ و قاچاقچی زده بود باز شد باندولها همگی تقلبی بود.

عبدالله بنیانی جاعل اسکناسها کشف جریانات بالا و افتاد همدست وی دائر بر اینکه وی آنها را جلیل نیشابور و صرف با آنها میداده است پس از مصرف بهای آن تکلیف کرد دستگیر و تعویب زندان میگردد محسن خطیر که صاحب خانه جبار بنیانی بوده بقیه کفیل آزاد میگردد کلیه اسکناسهای معمول ۵۰۰ ریالی جمع آوری گردید برادر امر تعویب دادسرای دیوان کبیر گردید زبر عبدالله بنیانی کارمند وزارت دارائی بود.

بدین طریق موضوع نشر اسکناسهای جعلی ۵۰۰ ریالی که بر حسب تصادف کشف گردید و تقدیر در دستگیر شدن مجرم دخالت کلی داشت با بیان

از کلاه برداری های ثبت بدیوان گنجر شکایت میکنند!

آقای وزیر دادگستری اخیراً شنیده شده بعضی ها با همه زحماتی که برای جلوگیری از نشر این سلسله مقالات در روزنامه مرد امروز تحمل نموده و موفق شده اند برآمد جدید یافته و آن اینکه بوساطت مامورین شده اند این مقالات را با بورد و کلاه برداری می کنند و این کلاه برداری را با بورد کرده و نیکم ولی گویند می گفت که چون تعداد جرائم زیاد و هر یک مطالبی اجماع بدادگستری و ثبت اسناد می نویسد و آقای وزیر و متشنان اجازه مطالعه اینهمه مقالات را نمی دهد از این جهت کسیکه در وزارت خانه مکلف است روزنامه را مطالعه و مقالات مربوطه را بنظر جناب وزیر برسانند خلاصه ای از مطالب جرایم تهیه و بنظر شامی رسانند و اینهمه مقالات بنظر شامی رسد بلکه خلاصه ای که معلوم نیست بچه طرز تهیه می شود بنظر شامی می رسانند و ضمناً اضافه می کنند به تیت کل هم تلقی شده با دقت در مطالب آن اقدام فوری را شایسته بنظر می آید اگر این قضیه صحت داشته باشد نمی دانم باید پیش اینکار ثبت آفرین گفت و یا چنین اعتقادها!

آقای وزیر دادگستری اگر چه شما بر اثر کار بر سیاسی مدام خود شاید خیلی زحمت کشیده باشید که خون سردی را شمار خود فرار دهید و در این راه حقا باید گفت موفق شده اید ولی لازم است یک نکته را توجه داشته باشید که اگر خون سردی در امور سیاسی بنده شده است در امور قضایی ناپسند است زیرا اگر در امور سیاسی و جرمی و خون سردی و امرات وقت نتایج مفیدی در بر دارد در امور قضایی حمل بر بی احتیاطی شده و منجر به تجری تهاکاران میگردد از این رو اگر در امور سیاسی مداران حق ندارند تمجیل و شتاب زدی بحق بدهند بر عکس در امور قضایی سرعت عمل و مجاهده در تسریع کلیه امور پس مطلوب است بنابراین هر قدر تاخیر و تانی که جناب عالی در رفع خرابی های ثبت کل روا دارید در حقیقت نه تنها تجری تهاکاران فرود آید بلکه فرصت و مجال امکان خلاف کاری ها را با همین مسامحه یا خون سردی با دست خود فراهم ساخته اید.

آقای وزیر دادگستری اخیراً در جرایم خوانده ام که مبلغ ششصد هزار ریال اعتبار اضافه کار جهت قضات بدیوان گنجر تصویب فرموده اید البته این عمل شاید برای تشویق مامورین بدیوان گنجر مفید باشد ولی علی الاصول مگر منظور از اضافه کار کردن قضات بدیوان گنجر این است که پرونده ها بکفایت رسیدگی و دیگران هم با توجه باصل سرعت عمل بدیوان گنجر متنبه و مرعوب شده دیگر کردن خلاف کاری نکنند اگر اصل و منظور کلی این است چرا موجب امکان خلاف کاری ها را از بین می برند و چرا اینهمه خلاف کاری های ثبت اسناد را که هر هفته با اطلاع شما می رسانند نادیده می انکارید؟ اگر مدعی هستید که خلاف کاری وجود ندارد چرا تیت کل مهر سکوت بر آب زده و کارهای نامواییکه در این سلسله مقالات گاهی با بیا و اشاره و زمانی با تصریح خصوصیات موضوع نوشته و یا می نویسم تکذیب نمی کند و اگر اظهارات من صحیح است از شامی برسم کدام یک را تعقیب و مرتکبین

در شماره ۶۵ آن جریده شرحی بامضای کارمندان قشاش راجع باینکه عرایض مبادرت بفروش مینایید درج شده بود برای استحضار آن جریده شرحی مقرر میشود که عمل مزایه فروش قشاش هم طبق آنچه کمی های منتشره در جرایم الهام ولی کسی حاضر به خریداری نشد و بعد از لحاظ صلاح و صرفه دولت بنا بر اختیاراتیکه بوجوب تصویب هشت وزیران به هیئت تصفیه امور اقتصادی داده شده بود کلیه قشاش و اناجیه و متفرقات و غیره موجوده در مقارضاها یکجا معامله گردیده. متنی است بنام قانون آزادی مطبوعات دستور فرمایند مراتب بالا را در آن روزنامه درج نمایند.

در شماره ۶۵ آن جریده شرحی بامضای کارمندان قشاش راجع باینکه عرایض مبادرت بفروش مینایید درج شده بود برای استحضار آن جریده شرحی مقرر میشود که عمل مزایه فروش قشاش هم طبق آنچه کمی های منتشره در جرایم الهام ولی کسی حاضر به خریداری نشد و بعد از لحاظ صلاح و صرفه دولت بنا بر اختیاراتیکه بوجوب تصویب هشت وزیران به هیئت تصفیه امور اقتصادی داده شده بود کلیه قشاش و اناجیه و متفرقات و غیره موجوده در مقارضاها یکجا معامله گردیده. متنی است بنام قانون آزادی مطبوعات دستور فرمایند مراتب بالا را در آن روزنامه درج نمایند.

بهترین مقالات این هفته روزنامه

ایران ما دنیا از این پهلو با آن پهلو می غلظد توده های ملل با هم دشمنی ندارند جامعه بشریت بسوی وحدت و یگانگی می رود

لوی سایان اکنون در ایروانست و توده های کارگر و زحمتکش ایران بهر جا که می رود را عزیز میدارند و محترم میشمارند. شخصیت بسیار برجسته و ممتاز سایان او را در همین مدت قبلی که در کشور ما است بیش از آنچه انتظار می رفت نزد کلیه طبقات محبوب و گرامی نموده است. نطقهای آتشین سایان و شعله گرم و امیدبخشی که از لابلای جملات و کلمات او ساطع میشود و نطقهای دیگرنشانی نخواهد بود.

ایران روزنامه جمهوری تریه عقیده دارد که یک جنگ نفت در خاور میانه در جریان است

روزنامه (جمهوریت) چاپ اسلامبول شرحی بقلم (عمر رضادورول) راجع به منابع نفت ایران و انگلیس نوشته و در ضمن اظهار داشته است که تا چندین پیش تلکرافات واصله از ایران حاکی بود که در مناطق نفت خیز جنوب شرقی ایران احتیاجات و زود خورد های روی داده میس خیر رسید که اوضاع آرام شده ولی انگلیس این احتیاجات و زود خورد ها هنوز باقی مانده و علت آن است که دولت انگلیس نسبت به منابع نفت این منطقه اهمیت حیاتی داده و از هر پیش آمدی که سبب اختلال امور صنعتی آن می شود نگران میگردد و لذا انگلیسها با جد و جهد شروع به بررسی علل و موجبات احتیاجات نمایند زیرا شک نیست که سبب احتیاجات نه قلت دستزد و نه گرانای خوار و بار بوده بلکه فقط بنظور ایجاد اقتشاش بوده است.

زیرا اگر این احتیاجات برای قلت مزد و با گرانای ارزاق بود مسلم است که لیدرهای اتحادیه کارگران با اولیای امور شرکت نفت وارد مذاکره می شده ولی چنین اقدامی بعمل نیامد و لذا واضح گردید که منظور از آن سیاسی بوده است. بدلیل آنکه چند روز پیش نیز در منطقه نفت خیز (کرکوک) در عراق ستاره

یادداشتهای متبادله دولت انگلیس بدولت ایران آقای قوام السلطنه نسبت بتوقف کشتیهای جنگی شدیداً اعتراض کرده اند

چند روز قبل سه کشتی جنگی با تجهیزات کامل با بهای خلیج فارس نزدیک می شوند و چون این عمل برخلاف نظامنامه مربوط بقرارت کشتیها میباشد از طرف سفارتگری انگلیس یادداشتی بوزارت امور خارجه ایران تسلیم میگردد مبنی بر اینکه چون در نتیجه احتیاجات کارگران خوزستان و ادامه خطر تعطیل دولت شرکت نفت ممکن است منافع دولت انگلیس در ایران در خطر بیفتد روزنامه با بهای خلیج فارس نزدیک و در ۱۳ تا ۱ میلی آبهای آبادان توقف کرده اند. دولت ایران در پاسخ یادداشتی سفارتگری انگلیس یادداشت شدیدی

امپراطوری که لباس وصله شده میپوشد

همگی در یکجا غذا صرف مینمایند و معمولاً غذای آنها برنج است بعد از نهار یکبار فامیل امپراطور برای گردش بظرف باغ رهسپاری شوند بجهه باغ سرخ و خروس غذا میدهند و امپراطور به باغبانهای خود دستور میدهد هر سه روهیو دارای باغهای بزرگ سبزیکاری و گل کاری است که در تربیت آنها کوشش بسیاری مبذول میدارد و علاقه بزرگی بان دارد این بود مقتصری از زندگی کنونی امپراطور ژان و پدر سابقش خدای روی زمین. مرد امروز بعد از مرحوم نابغه چشمان به خدا روشن

لورنس!

از لای خروارها پرونده های پوسیده و از میان اوراقی که از گرد و خاک و تار عنکبوت پوشیده شده یکی از مرموزترین و شیرین ترین قیلمهای مرموز زندگی ظاهر میگردد سید فرهاد نظری مجذوب جمال دل آرای دختر کدخد است و میخواهد داماد شود ولی سرنوشت ماموریت دیگر باو محول کرده است!!!

هفته گذشته شرح دادیم که چگونه سلطان غلامعلی خان فرمانده سید فرهاد چشم تمدی به نامزد زیبای سید فرهاد دوخت و با آنکه وکیل گروهان سید فرهاد اصرار داشت سید بنفح سلطان از دختر چشم بیوشد وی حاضر نشد.

وکیل دوباره بر می گفت: سید فرهاد تو بچه ای و عقلت نمی رسد من این درجه ها را بی ربط نکرته ام. بالاخره تصدیق کن که تجربه و عقل من خیلی بیش از تست، این کله شقی و گردن کلفتی را کنار بگذار و پشت پا بشناس و اقبال خود مزین این سعادت که در خانه تو را می گوید بنزل راه بده و از او پذیرای کن و راه ترقی خودت را سد نما.

سید که قدری هم عصبانی مزاج بود از این حرف رکبای کردش متورم شده بتندی بدون رعایت مافوق و مادون رو بوکیل نموده می گوید: من ناموس خود را بسططان بدمم که ترقی خواهم کرد.

تف باین ترقی بیاید که باید بسا دادن ناموس و عصمت بدست بیاید سرکار شای خیل گردید سید فرهاد بهر انتضاح و بی ناموسی تن می دهد که درجه بگیرد و ترقی کند. . . . من مردن را باین درجه گرفتنها و ترقی کردن ها ترجیح می دهم شامی گویند دیگران اینکار را کردند و درجه گرفتند، خیلی اشخاص هم بی ناموسی می کنند، بی عفتی می نمایند این دلیل نیست که منم بکنم. می گوئی طرف سلطان است، هر گردن کلفتی می خواهد باشد.

وکیل که این عصابت سید را دید و تند خوئی و پرا متوجه شد دانست دیگر معلوم بلند بالای تبه خواهد بود. توطئه و اتهام و در فرار و تعجب و سرقت مسلح و غیره و غیره برده گردید. بیاس آن خدمت از سرمانه تقاضای پادشاه و درجه و اضافه حقوق و عتیق و مرخصی نمود.

وکیل باشی که برای او امر دیگری باطابق سلطان آمده بود ساکت در گوشه ای ایستاده و ناظر عصابت ساختگی سلطان نسبت بسید بود و گوئی باحرکت زورانه چشم می خواست به آن تکیه ساده لوح نظری بگوید: نکفتم به بخت خودبخت بساطان و جلوی خودت را بگیر سید فرهاد در عین حالی که سانه لوح و پاکدل بود بسیار بزرگ و باهوش هم بود، او توطئه هائی که بر علیه او تهیه شده بود بیک توجه کشف کرده دانست همه این صحنه های ساختگی برای از بین بردن وی و بالاخره صاحب جمال زیبای نامزد او است.

سلطان از فرط عصبانیت ساختگی دستور داد توقیف انضباطی باشد تا کارش رسیدگی و برورنده اش تکلیف برای معاکمه به هفتگانه ای صادر کرد. از این جا، از این دقیقه در روح مطیع روح منقاد، طبع آرام سید فرهاد طفیلی از عصابت، از آثار از سر کنی ایجاد گردید. دانست دیگر اقامت در سیه برای او صلاح نیست دیگری می توان او وصل دختر را در کله برود آید اما از در صلح در آمدن با سلطان شهورت برست هم گسار شرافت ستاره نیست. سید فرهاد تصمیم می گیرد که بهر تریبی شده است از توقیف گاه بگریزد. اسلحه و کمر بند او را قبول گرفته و بر بردن می افتد. بقیه در صفحه ۷

west end watches

خریداری ساعت معروف و اعلا همیشه برفع مشتری است

نام ویست آینه و آج بهترین تضمین برای خوی ساعت میباشند

نماینده انحصاری در تمام ایران:

سردار امریک سنک کور بخش سنک کاشی ۱۱۰ خیابان

چراغ برق تلفن ۷۳۷۵

۱۸۷ - T

دکتر گاسپاریان

معالجه قطعی و فوری سوزاک و سیفلیس

نشانی: لاله زار نوکاشی شماره ۴۵۰

۱۴۱ - T

مشمع الکوکس

علاج قطعی

مرد در دو رو تا ششم

در دمای پشت



«فشار و اصطکاک ماساژ و تومایک» در درجه اول مرتفع میکند...
مشمع الکوکس را در محل درد و اصابه بزنید...
سختی یافته و جگر بیخ می شود...
از این مسود...
نظر داشته باشید...
«محرور برجسته و زیبا جواره در نظر داشته باشید»

ALLCOCK'S POROUS PLASTERS.
۱۷۴-T

درمان قطعی سوزاک

حالا در دو ساعت - مزمن در شش ساعت

با پنی سیلین

هکتر نصرت الله بخور

صبح و عصر چهار راه سرچشمه

۹۵-T

قرص کورامین سیبا با فرمولی

گاملتر از قطره آوار د شد

داروخانه دکتر قوامی خیابان سعدی

۱۷۶ T

قابل توجه مترجمین و نویسندگان استان

بنگاه داستان که بر اثر جنک و گرانی کاغذ موقتا تعطیل شده بود...
اینک زیر نظر مدیر سابق خود مجددا شروع بکار میکند...
منصفانه ای بنسبت مستقیم کثرت انتشار و استقبال خوانندگان طبق قرار داد می بردارد.

نشانی - تهران سرآب وزیر جنب بازارچه نایب آقا
(ساعات پذیرایی مدیر بنگاه عصرهای دوشنبه و چهارشنبه است)
۱۰۹-T

اخگر

جلد ششم و هفتم و هشتم در دو بست وسی و چهار صفحه حاوی بیش از شصت موضوع جالب منتشر گردید از مشترکین محترم متنی است هر گاه نرسیده باد آوری فرمابند.

۲۱۹۱-T

باسلیقه ترین اشخاص

دربین اینهنه مطبوعات فقط بفریدن نامه هفتگی بهرام که حاوی مطالب سیاسی - اجتماعی - ورزشی و زیباییترین تصاویر و اخبار هفته است امکان می کنند

۲۱۸۸-T

چاپخانه مظاهری

تلفن ۱۹۵۶

عمده شاه صفی

که او را مثل مادر بزرگ کرده بود سپهر نوری داشت که در زیبایی شهر آفاق بودند روزی شاه برای تفریح سر این سپهر را برید و در طبق بر کل گذاشته و بعنوان هدیه برای مادر بدیخت آنها فرستاد و از این تفریح شاه نامه خندید تفصیل جنایات هواناک این شاه را ضمن داستان تاریخی

پنجه خوانین
که شیرین ترین داستان تاریخی و عاشقی عصر حاضر است بقلم نویسنده معروف آریبا در روزنامه ترقی خواهید خواند
۱۸۹ - T



رقابت ناپذیر و بی همتا

Philips Radio

۹۲ ش

مجانا داده میشود



به خریدار با معرف ده دستگاه درشکه یکدستگاه مجاناً داده میشود انواع چهار چرخه تابستانی مدل جدید اتومبیل و سه چرخه بچه گانه موجود بقیست مناسب فروش میرسد و نیز همه نوع معاوضه و مبادله اجناس کهنه با نو با قیمت خیلی نازل انجام میگردد و به سفارشات عمده صدی ده تعقیف داده خواهد شد
۵۴ - T

دفتر فنی و ساختمانی اتال

زیر نظر مهندس دیلمه لندن
تهیه نقشه و سرپرستی ساختمان و تزئینات داخلی
نشانی خیابان لاله زار شماره ۴۹ تلفن ۴۶۵۴ «رو بروی محل تابستانی تماشاخانه تهران»
مراجعات از ساعت ۵ بعد از ظهر
۳-۲
۱۷۱-T

مژده

بشارت

بصاحبان کارخانه جات فلز کاری و بانوان خانه دار

اخیرا بهترین آب نیکل انگلیسی وارد و همه قسم فلزات (آهن - مس - برنج و روشوالات - سمارستی) با آخرین اسلوب بدلفهواه مشترکین محترم آب نیکل با برق داده میشود یک مرتبه امتحان صدق گفتار ما معلوم خواهد شد شنا همه نوع دواجات نیکل «واکس - فرسه - سولفات» برای فروش حاضر است
نشانی - چهار راه حسن آباد - کارخانه آب نیکل هدایت
۱۰۰ - T

((آگهی مناقصه شماره ۶۴۸))

اداره کل غله و نان حمل مقاره باصد تن گندم از قوچان بمشهد مناقصه میکند

ودیمه شرکت در این مناقصه هر تن پنجاه ریال است که قبلا بیابک ملی ایران بحساب سبرده شماره ۳۰۴۹۲ این اداره تحویل و قبض رسد آن جداگانه و بدون اینکه در باکتی گذارده شده باشد بشمی باکت مسهور پیشنهاد تسلیم اداره کل غله و نان گردد کسایکه مایل بشرکت در این مناقصه باشند باید قبلا با اداره حمل و نقل کل غله و نان مراجعه و از شرایط مناقصه و بیابیکه باید منعقد شود اطلاع حاصل نموده و در صورت قبول شرایط مزبور پیشنهاد خود را روی برگ مخصوصی که تهیه شده و برای آن داده میشود تنظیم نموده و درجوف باکت مسهوری که در روی آن جمله (مناقصه حمل باصد تن گندم از قوچان بمشهد) نوشته شده باشد بیوست قبض رسد و بدیمه تا آخر وقت اداری روز شنبه پنجم مرداد ماه ۱۳۲۵ بدفتر اداره کل غله و نان در مقابل اخذ رسید تسلیم نمایند

هر باکت پیشنهاد که قبض رسد ودیمه جداگانه ضمیمه آن باشد ولو اینکه پیشنهاد دهنده مدعی باشد که قبض ودیمه را در جوف باکت گذارده است از قبول آن خودداری خواهد شد

پیشنهادهای واصله در حضور کمیسیون در روز یکشنبه ششم مرداد ماه ۱۳۲۵ در ساعت ده صبح باز و قرائت خواهد شد پیشنهادی که در مقابل شرایط عمومی مناقصه و بیابن متضمن قید و شرط دیگری باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد

حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه قرائت پیشنهادات آزاد و اداره در روز با قبول پیشنهادات مختار است

اداره کل غله و نان

۳-۳

۱۶۸ T

تمدید آگهی مناقصه حمل چای

اداره مستقل چای بیرو آگهی شماره ۸۹۰ مورخ ۳۲۲ ر ۴۳۲۵ حمل مقدار ۸۵۰ تن چای موجود در پنج نقطه از نقاط شمال رشت - لاهیجان - لنگرود - رود سر - شهسوار را بشهران بشراط زیر بشاقصه میکند

۱ - مدت حمل کالای نامبرده از تاریخ عقد بیابن تا آخر مهر ماه ۱۳۲۵ خواهد بود که در روز آخر مهر ماه (مدت ۱۵ روز کم یا زیاد) بیابنکار باید تمام چایها را از پنج نقطه مزبور حمل بشهران نموده تحویل انبار های اداره مستقل چای کرده باشد

۲ - بیابنکار باید میزان کرایه حمل را از قرار تن کیلو متر با میزان کرایه برای هر محل مقطوعا صریحا ضمن پیشنهاد خود قید نماید

۳ - مبلغ ودیمه برای این عمل ۵۰۰۰۰ ریال تعیین میشود که باید بیابنکار بحساب شماره ۳۰۴۹۶ بانک ملی ایران شعبه مرکز به بانک ملی سبرده قبض رسد آنرا با پیشنهاد مناقصه که در باکت سر بسته و لاک مهر شده باشد تا آخر روز شنبه ۹ مرداد ماه جاری تسلیم دفتر اداره مستقل چای کرده رسد دریافت دارد (هر باکت پیشنهادی که قبض رسد ودیمه جداگانه ضمیمه آن باشد اگر چه پیشنهاد دهنده بگوید قبض ودیمه درجوف باکت بیوست پیشنهاد است از قبول آن خودداری خواهد شد)

۴ - پیشنهادات واصله در حضور کمیسیون روز ۵ شنبه دهم مرداد ماه ۱۳۲۵ در ساعت ده صبح باز و قرائت خواهد شد و به پیشنهادی که در مقابل شرایط عمومی مناقصه و بیابن متضمن قید و شرط دیگری باشد ترتیب اثر داده نخواهد ماند

هزینه تهیه اسناد رسمی صادره از ثبت بمهدیه پیشنهاد دهنده خواهد بود

۵ - بعد از انقضای ماه هر پیشنهادی برسد بدون اثر خواهد شد

۶ - ضمنا اگر مناقصه حمل به پیشنهاد دهنده که حایز حداقل است اصابت کند و از قبول تمهد خود داری کند سبرده او برفع دولت ضبط خواهد شد

۷ - حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه پیشنهادات آزاد و اداره در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و بعلاوه در صورت اقتضاء مناقصه حضوری نیز بمل خواهد آمد

رئیس اداره مستقل چای - ناظمی

۱۹۲-T

قابل توجه آقایین اطباء و داروسازان محترم

آمیول لیور اکستره آندو که با فورمول کامبولان بایر مساویست بتازکی وارد شد

محل فروش: بنگاه دارویی نور افشان سرای روشن ناصر خسرو

قطره کاسین امریکائی کارخانه آندو وارد شد

محل فروش: بنگاه دارویی نور افشان سرای روشن ناصر خسرو

فرس اطوفان امریکائی ساخت کارخانه معروف آندو وارد شد

محل فروش: بنگاه دارویی نور افشان سرای روشن خیابان ناصر خسرو
۳-۲
۱۸۰



تلفن

۶۷۳۶

میدان

فردوسی

بهترین و سرریعترین وسیله مسافرت با تهران اکسپرس

در خطوط شیراز - مشهد - اصفهان - رشت - رامسر

پهلوی - بابلسر - همدان

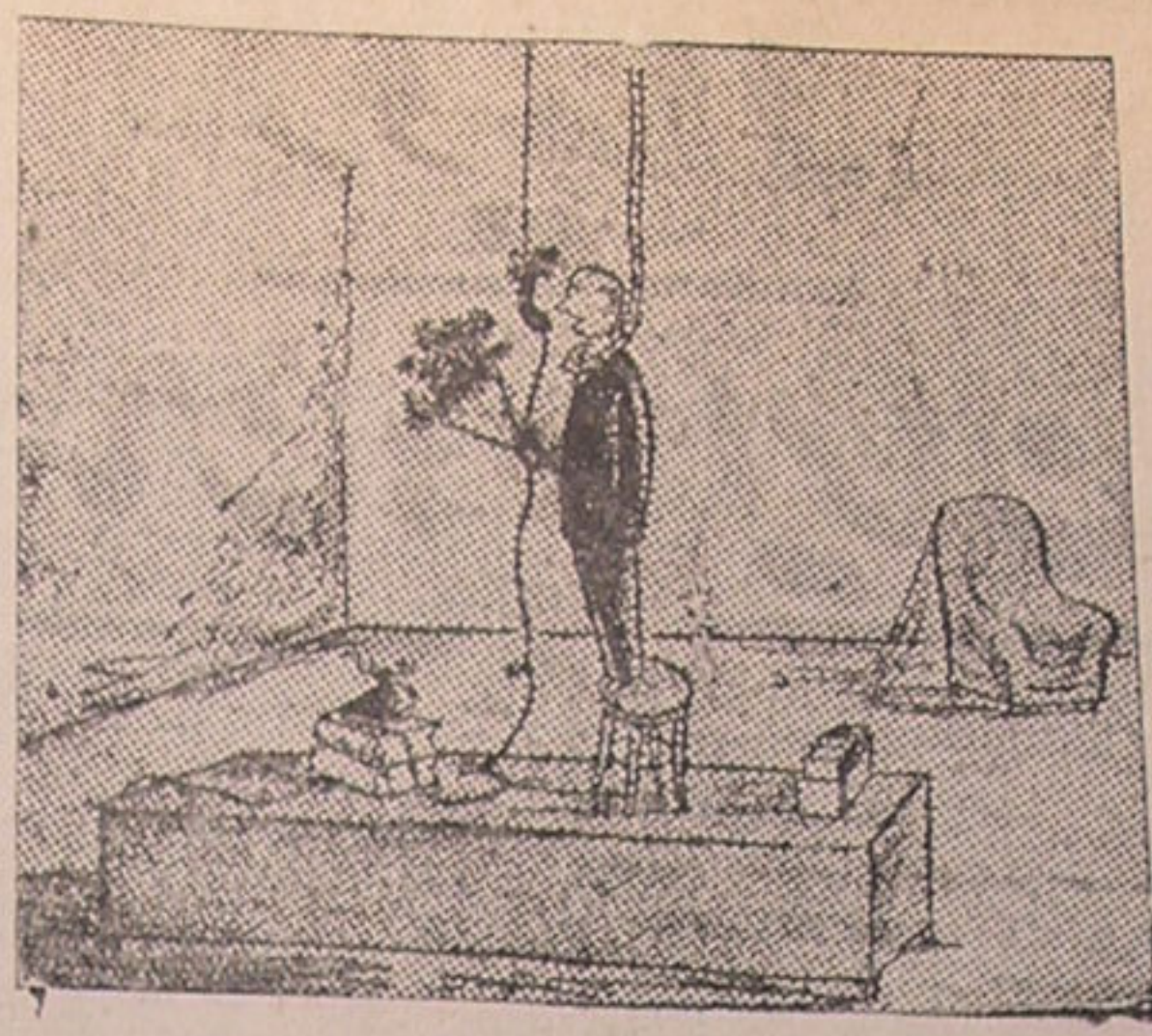
در سرویسهای منظم و مرتب حرکت مینماید

۱۸۳-T

۳-۲

وارده
فروشگاه شماره ۱

روزنامه مرد امروز
در روزنامه مرد امروز هفته گذشته خبری راجع با اختلاس و خرابکاریهای فروشگاه شماره ۱ درج فرموده بودید چون این قدری هم دوام در آنجا نیش نویس و حسابدار بودم لهذا برای روشن شدن و حقیقت مطالب حضرتعالی را مستعجل میسازم این قدری تصراف به خبری فارغ التحصیل دبیرستان نظام کسه بواسطه کسالت حصبه و سینه پهلوی سخت هزل خود را ترک و دو سال تمام تحت مراقبت پزشک مربوطه در خارج ممالجه شخصی و در این مدت در اثر عدم سرپرست و نبودن کسی که مایحتاج این خانه پریشان را فراهم سازد هر چه اثاثیه و لوازمات زندگی داشته فروخته و در این مدت خرج خود نموده ام تا اینکه در فروردین ۱۳۲۴ کالامریضیم مرتفع و در مهر ۱۳۲۴ بتوسط یکی از رفقا که یک قسمت از فروشگاه را تحویل او شده بود بیست حسابدار و نیش نویس در آنجا داخل تاپس از دو ماه که کوبن ها لثویه بهانه ای که کوبنها از اعتبار ساقط شده قرعه بنام ۱۸ نفر از کارمندان که به بارتی و نه تویسه شده بودند افتاد اول زمستان ما را اخراج نمودند با اینکه این قدری هر چه اسرار و ابرام نمودم که بنده از همتی ساقط شده ام و کسیکه مخارج این خانواده پریشان را تامین نماید نیست کسی بحرف من ترتیب اثر نداد و فاتحه هم بر من نخواند چنانچه پس از چند روز رفتن ما چهار برابر این عده عضو استخدام نمودند اخراج ما از چند جهت بود یکی اینکه ما از زدبیا و افتضاحات آنها اطلاع حاصل نموده بودیم دوم اینکه فامیل و برادرزاده و خواهر زاده ما بمهلت نپردادند. حقوق این ۱۸ نفر ماهیانه بدون استناد ۱۸۰ تومان بود در صورتیکه فامیل خودشان که کوبن بین و کنترل بود ماهانه ۳۰۰ تومان که پس از سرویس کار هم میرفتند سوء استفاده کنجا عبارت بودند از آقایان بهبهانی مدیر - دادخواه مدیر داخلی و آقای حاجی ابراهیم آقای کریمی که آقای داد خواه پدر زن ایشان است معاون مدیر این شخص راه می شناسند که چقدر ثروت و ملک و ده دارد و احتیاجی ندارد که در فروشگاه کار کند چون شخصی زیرک و دانسا و صراف بود لذا تمام سوء استفاده ها و افتضاحات بتوسط ایشان انجام میگرفت سرویس کار فروش فروشگاه از صبح تا یک بعد از ظهر بود ولی چه سرویسی که تمام این خرابکاریها در ساعات غیر سرویس صورت میگرفت تا ساعت ۱۰ الی ۱۱ برای اشخاص خصوصی در باز بود و ۱۰۰۰ ها هزار کوبن راجیده و بارچه اش را استفاده میکردند. مقررات فروشگاه که عبارت از کوبن و دفترچه جیره بندی و کارت ورود طبق تعداد کتابچه جیره بندی کارمندان استفاده میکردند و بهر نفر ۳ متر بارچه انگلیسی و ۶ متر بارچه آمریکایی و بقیه به شهر و جیب هندی استفاده میدادند در صورتیکه این مقررات در باره اشخاصی که کسی را بشناختند یا میسرک با بازرسی نبود هزارها نیش در ساعتی غیر سرویس صادر میشد که ۱۰۰ ها متر انگلیسی و ۱۰۰ ها کوبن در آن ساعت چیده میشد و این اشخاص را با خانهایشان در انبارهای بیرون و هر طور میخواستند بآنها فروخته میشد دیت که در آنجا نیش ۸ تومان بود هزاران هزار متر بخارج میرفت و بقیه نثری ۱۸ تومان فروخته می شد اگر حقیقتا بازرسی صحیح العمل را برای بررسی ببرند و مفعله چهارم نیشهای ۸۷ سال ۱۳۲۴ به بیند ملاحظه میکنند که خرابکاریهای شده است از جمله نیشهای رفتی و مدیران جیراید که بطور (اورت) میبردند برای اینکه پرده از روی کارشان برنهد



عزیزم، بالاخره راضی خواهی شد یا نه!



دکان های ماهی فروش پس از انفجار بپ اتسی در بی کی می!

یک نامه بدون تصحیح درد دل واقعی مردم
مدیر محترم روزنامه مرد امروز
دربروز گذشته چشم افتاد به مقاله که در خصوص ناحتسه های فرانسه نوشته بودید اگر بدست محترکین این مملکت میفاد چنین چنان میشد روزنامه نوس ها، غیر دروغ گفتن جنجال کردن هیچ چیز دیگری نداشت تمام شبیه به یک سرشان نوی برف دشمن درهوا آنها کسی را نمید (نمی بیند) کسی هم شما را نمید چند قلم اجناس را برای شما شرح میدهم که بنادید غیر از نورمالیته دروغ و حاسبت از دهقان زارع میگویند برخلاف نیشه برداشته ریشه دهقان زارع را از بیخ بیاخ خواهد زد آورد به اسم حمایت کارگزاران دهقان قبل از جنک

روزنامه ۱ عدد ۶ شاهی	۱ عدد ۶ ریال
سیگار ۱۰ عدد ۴ شاهی	۱۰ عدد ۳ ریال
توبا کو ۱ سیر ۴ شاهی	۱ سیر ۴ ریال
توتون ۱ سیر ۱۲ شاهی	۱ سیر ۹ ریال
سنگ از اداره اوزان ۱۴ ریال یک سری	یک سری ۵۱ تومان
اجاره آب خانه من ۱۲ ریال	۱۲ تومان
حقوق فلان اداره ۱۸ تومان	۴۸۰ تومان
کرایه دکان بنده ماهی ۵ تومان	۵۵ تومان
مالیات بدون رشوه ۱۸ تومان	با هفتاد تومان رشوه ۲۸۰ تومان
روزنامه نوس ها به اهل اداره جات خوب میتوانید بخورید کسار خیابانها کیت کتید فلان رعیت بدبخت از ترهقان تغم مرغ بیلورد اینجا یک دانه هفتدینار یک متر پارچه کرباس به خرد ۲۴ قران بیچاره نمیتواند حرف بزند شما میخواهید فلان دولایی بسامیجان بیلورد بدهد بعد یک دهشاهی یک ساعت آب شهرداری اجاره کند ۳ هزار ریال خواهشدم محترک را نشان بدهید	

مدیر محترم روزنامه مرد امروز ما کردیم و حضرت عالی محرم سر عموم اولاً از زمانی که جنک جهانوز شروع شد ما هنوز یک شکم سیران نخوردیم جناب آقای محمد مسعود به تمام قدسات عالم قسم نویسنده از سه روز قبل تا امروز ۳ ریال نیم زندگی کردیم صورتی که دارای صنت و همین سواد چیزی را نیز دارم آیا جناب آقای محمد مسعود ما ایرانی نیستیم و ما هر روز در خانه یک دوروغ متوسل میشویم بحضرت عباس قسم دیگر باور نمیکنند این یک تکتی را عرض کنم یکی از همسایه کان بنده حسین نام بنام فرزند کوچک دارد یکی از چچا گفت آقایان برای ما میوه بخور شخص مذکور گفت سرکار بروم بخرم انشاء الله بچه ۸ ساله گفت آقایان خوب است که یک روزم شما راست بگوئید برای چنین پدری مرک شادی نیست ما درد خود را بشنا ابراز کردیم و حضرت عالی ابراز میکنیم ایرانیها هسته ما عارض خود را به شما ارسال کردیم دست ما به هیچ مقامی نرسید و حضرت عالی توری که شایسته میدانید در دل مارا به سمع دولت برسانید از طرف پنجاه نفر بنهای بیکار امیدواریم که بتوانید بغوا یندوئه بول که نداریم بدهیم خوب نویسنده مرد امروز - چون دو نامه فوق با چهره نوشته شده بود ممکن نبود که او را بدستی و فقر و خطوط ادب و رنج فلاکت همان قسم که نهفته است بچشم خوانندگان برسد، ای بدبخت هائیکه فریاد میزنید مرک بر فراز کوه چرا برای گفتن مرک بر طبقه خاکه و سرمای دار ایران چه دست چپ و چه دست راست چه توده و چه غیر توده خفقان گرفته اید!

پنجه خونین
شیرین ترین داستان عصر حاضر است که ماضیات سرخ رنگ و تاریخ وحشتناک شاه صفی را که تا کنون در ایران کسی از آن اطلاع ندارد بدم یکی از نویسندگان معروف شرح میدهد قریباً در روزنامه ترمی شروع میشود

از خاطرات زمان نابغه
پدر سوخته ها مال رضاشاه را تقسیم میکردند!

خوانندگان گرامی البته بخاطر دارند که در سال ۱۳۱۲ کمیسیون مختلطی از صاحبان ایرانی و یک ژنرال ترک قرار بود با اختلافات مرزی ایران و افغان و معادن نمک مرزی رسیدگی نمایند از طرف بنده گان اعلیحضرت قدرت همایونی نیز فرمانی شرف صدور یافته بود که از ژنرال ترک بذیرانی شایستهی بعمل آوردند و چنان بنا پذیرایی های گرم و سان قسمتهای مختلف تشون شاهنشاهی ژنرال نامبرده را مهیوت سازند که در مراجعت ترکیه و با شرح آنچه در ایران دیده است چشم حسودان را کور و نیکخواهان کشور مسارا مسرور نماید. الحق سعادارنش و مهمانداران هم چیزی فرو گذار نکردند ژنرال ترک نیز روزها در هنگام ارتش بدین ریزه کاریهای نظامیان و افسران و شیبا بنشای بزم آرایشها مشغول بود که اطلاع رسیدند شب بعد شام را در حضور فرمانده کل قوا و شاهنشاه ایران و در بابل صرف خواهد نمود.

قصر بابل در دورات اخیر کمتر بیاد داشت که محل پذیرایی یک مهمان خارجی و همسایه باشد لیکن این بار قصر نامبرده زیباتر و طناز تر شده بود. چند نفر از وزیران تیساران - بیشکاران دربار و افسر اسکورت همه گرم کار بودند که حسب الامراژ ژنرال ترک به بهترین وجه پذیرایی شود بالاخره ژنرال آمد اطاعتی را که برای او اختصاص داده بودند دید و همینکه اطلاع پیدا نمود برای مصدر و خدمتگذار نظامی او که از ترکیه همراهش آمده بود اطاعتی تهیه شده فوراً تقاضا نمود یک اطاق میله نیز برای او مهیا سازند. بدیسی است فوراً این خواهش ژنرال عملی شد و مهمانان بتدریج در سالن قصر بابل جمع شده بودند که ورود شاه نیز اعلام گردید. رضاشاه ترکی حرف میزد و خوب هم صحبت میکرد بنا بر این بدون احتیاج بتترجم با ژنرال نامبرده شروع بصحبت کرد. یکی دو ساعت مذاکرات ادامه داشت تا بالاخره بر سر میز شام رفتند. شاه خندان بود. میگفت میشنید میخندید بالاخره شام تمام شد و ژنرال برای استراحت رفت حاضران مجلس نیز مرخص شدند. شاه کمی در باغ گردش کرد و باطابق خواست رفت. رئیس اسکورت برای استراحت رفت ولی ناگاه فریاد شاه را شنید که باخسوت هرجه تمامتر فریاد میکند پدر سوخته ها سر مال کمی دعوا میکنید؛ مال کمی را تقسیم مینمائید.

مگر اینها خیراتی است؛ فرد آن پدر سوخته حساب ساز بولش را با من حساب میکنید؛ ناچار برای کشف قضیه پشت درب اطاق رفت و ملاحظه کرد شاه عصایی در دست دارد و ۳ نفر از پیشخدمتها را در گوشه اطاق غذاخوری بیاد فتنش گرفته و سخت بر فرشتان میزند و پنج شیشه آب جو نیز در گوشه اطاق و در روی زمین دیده میشود. پیشخدمتها راه فرار نداشتند ناچار تسلیم تقدیر و پیش آمد بودند بالاخره شاه خسته شد و با صورت عبوس و غضبناک بیرون آمد رئیس اسکورت شروع به تحقیقات کرد معلوم شد پس از صرف شام این ۳ نفر پنج بطری آب جو برداشته و بر سر تقسیم آنها پیش خود شان دعوا شده است و شاه در اطاق خواب صدای آنها را شنیده باعصا آمده پیشخدمتها نیز که راه فرار نداشتند اند بجای آب جو فتنش و کتک مفصلی نوش جان نموده اند

دکتر افسر الملوك سرشته
بزشک و جراح و دندان ساز
همه روزه از ساعت ۴ الی ۸ بعد از ظهر از بیماران محترم پذیرائی مینمائید
آدرس. خیابان امیریه کوچه حجازی مقابل قلعه وزیر

از عجیب ترین اتفاقات
بزرگترین افسوس نگر مارها و بهترین زن گدبانو در حقیقت یک مرد بود!

الیزمارک هر شب در مقابل هزاران نفر. خطرناک ترین نمایشات را با سم (بوسه مرک) بوسیله مهلک ترین مارهای سمی انجام میداد. ولی این مسئله خیلی مهم نبود. اهمیت در این بود که در طول چهار سال. زنی تمام نزدیکان خود را با این طریق منتر کرده بود که سه مرتبه شوهر کرد بدون اینکه به هیچیک آنها دست داده باشد.

مرک مثل گلشوپاقر
یک بازرسو و مطالعه دقیق بروی این دکتر ربسون که در پارک حضور داشت پس از باز دید جسد و معاینه دقیق با کمال حیرت متوجه شد که الیزمارک زن نبوده بلکه مرد میباشد!

بحران طلاق در انگلستان
اخیراً در انگلستان طلاق رواج یافته است و از هر پنج ازدواج یک طلاق در دروزز عملی میشود و این برای اولین مرتبه است که بوسا تیز طلاق با این حد رسیده است در سال ۱۹۳۹ در مقابل هر بیست ازدواج در سال یک طلاق عملی میشد در ۱۹۴۴ از ۷ ازدواج یک طلاق این عمل باعث وحشت محافل انگلستان را فراهم کرده و کشیکها مقالات بزرگی که جنبه نصیحت داشته و از عواقب و تخیم طلاق گفتگو میکنند هر روز منتشر مینمایند دولت انگلستان برای خاتمه دادن باین بحران در شهر های مختلف سازمانهایی برای راه حل اختلافات بین زن و شوهر تشکیل داده و کشیکهای بزرگی بآنها مینمایند این سازمانها که تا کنون در متجاوز از یکصد شهر انگلستان شبه دارد دارای تعداد زیادی دکتر پزشک امراض دماغی روان شناس و وکیل حقوقی که بانصاح خود از طلاق جلوگیری مینمایند این سازمانها در انگلستان به (مریضخانه های اشخاصیکه مرض طلاق دارند) معروف است و چنانچه این مریضخانه ها نتوانند از طلاق دو نفر جلوگیری بعمل آورد عمل طلاق مرک محسوب میشود متخصصین امر را برای کشف علت طلاق آزمایشهای زیادی کرده بالاخره باین نتیجه رسیده اند که یکی از علل اصلی طلاق در انگلستان اوزانی نرخ ازدواج و طلاق میباشد.

امریکایی ها تو میبل شخصی هیتر
رادر موزه گذارده اند
آمریکاییها اخیراً اتومبیل شخصی هیتر را که از سیستم هورس ۱۹۲۷ بوده سیاه رنگ میباشد که هیتر اغلب بآن در خیابانهای و بلهشتر اش بگردش میرداغت در موزه فلویید یکی از صاحبان بزرگ صنایع اتومبیل مورد نمایش قرار داده اند

شماره ۲۷
بزرگترین افسوس نگر مارها و بهترین زن گدبانو در حقیقت یک مرد بود!

شوهر او موسوم به الکسندر که سابقاً روزنامه نویس بوده در یک سرویس کشتی وانی اشتغال شده بود بتوسط پلیس اسرار شد از استحضار از قضیه با کمال حیرت گفت وقتی من با الیز در خانه بودم که او را مثل یک زن نفی ولی بعد ها چون دیدم تا این درجه است مثل زن زندگی کنم نتوانستم این هوشش جلوگیری کرده باشم حالا باید باور کرد که الیز با یک افسوس نگر مار بوده است بلکه الیز مردها هم بوده است؛ زیرا پیشتر مردها نفوذ داشته که دو شوهر او هم پس از متاز که با او همسر او را فاش نکرده و از همسر او سخنی در میان ننهاده بودند.

داروین حق داشت
اصولاً
الیز افسوس نگر مارها در سالکی دل زن بودن را در زندگی کرد.

کات
آقای قوام السلطنه در روزگات داشته و در منزل مشغول اشتراست بوده اند.

چاپخانه مظاهری
تلفن ۱۹۵۶

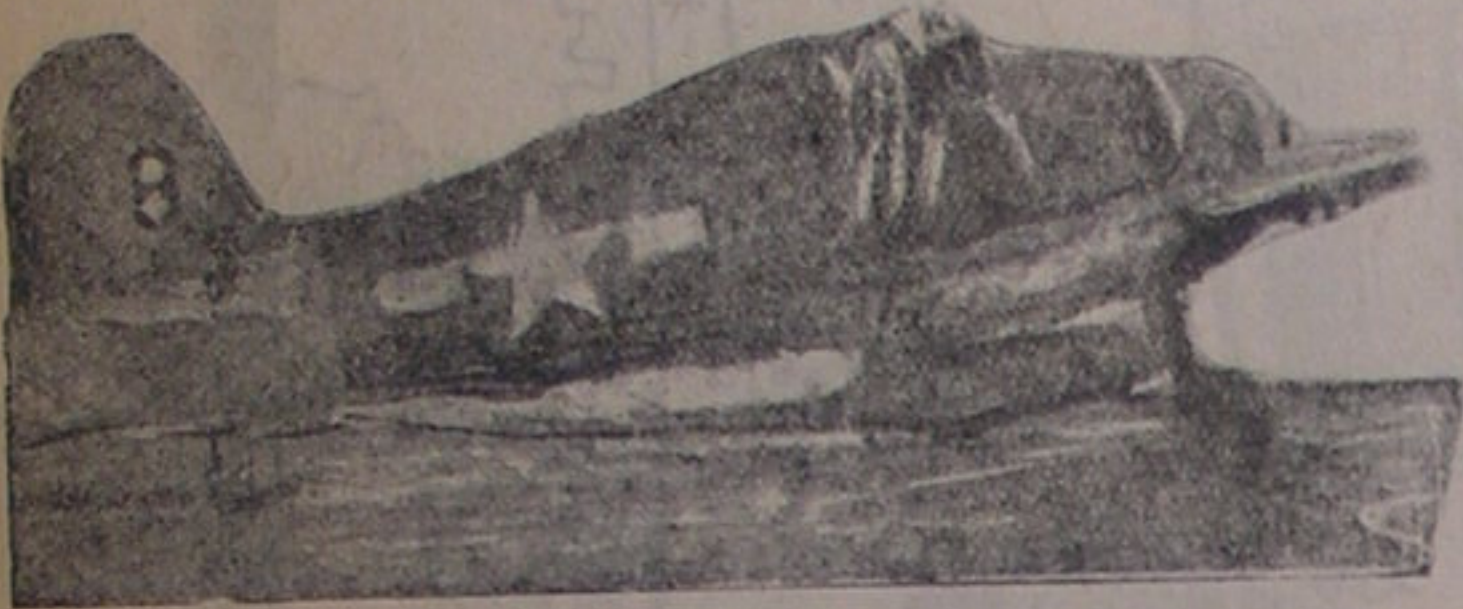
کمیاتی های خارجی نصف سرمایه اولیه خود را صرف تبلیغات می کنند در نتیجه سرمایه آن ها ده برابر میشود فقط آگهی دادن در روزنامه مرد امروز اثرات معجز آسای پروپاگاندا را بشما ثابت خواهد کرد

پنجمین بهب اتمی جهان

چگونه منفجر شد؟

۸۷ کشتی پس از ۲ دقیقه که از انفجار بمب گذشت

ناورد شدند



هواپیمائی که با آن بمب اتمی پرتاب شد

دو دقیقه پس از انفجار غروشان زیر آب کایه کشتیهای ۸۷ گانه هدف باستانی آنها که در حاشیه خارجی قرار داشتند نامرئی بودند. از نخستین علائم موجود موجیکه در نتیجه انفجار بوجود آمد برآب کشتی از آن بود که در پیشگویی هامچم گردیده بود. هیچ دیوار عظیم آب در سراسر اقیانوس کبر عبور نکرد فقط پس از ۱۰ دقیقه ناظرینیکه دور بین داشتند متوجه بودند که موجی در کنار ساحل سفید مرجانی بگیتی برخورد و این فقط پنج بار ارتفاع داشت.

دست در ساعت ۱۱ و سی پنج دقیقه بوقت گریونج بمب اتمی شماره ۵ با غرضی که دست نیم دقیقه طول کشید و ستی از آب که کلیه ساکنان را در طوفانی از ترسحات خود پنهان ساخت منفجر شد. در طرف ۵ دقیقه ستون خروشان از آب پنجهزار با آسان بالا رفت و ترسعات عظیم آن هزارها بالاتر از آن قرار گرفت. قطره‌قاعده این ستون آب بدو هزار و صد و سی و شش پا تخمین زده می شد.

در باسالار بلندی که از عرشه کشتی خوش صحبت می کرد اعلام داشت که: «ببردناو ار کنتراس و یک کشتی نفت کتن محکم و یک کشتی تانک پیاده کن غرق شدند ولی از هشت زیر دریائی که زیر آب فرو برده شد بودند هنوز معلوم نیست کدام غرق شده و یا نشده اند. هیچکس بسطح دریانامه و اکتشاف از راه هوا نشان داده است که دو تا از آنها در موقعیت سابق خود قرار دارند. کشتی سنرا توکا بست راست خم شده و عقب آن فرو می رود ببرد ناو سابق ژاپنی موسوم به «ناگانو» بسیار کج شده است.

آقای نوعی تیریزی نماینده روزنامه های ملی مرکز در لیل ۲۰ و ۲۱ ساعت دوید از نصف شب در نبودن اینچاپ رئیس بست ژاندارمری زمان آباد گروهبان ۳ مرتضوی با ۱۵ نفر از آدمهای علی اکبر سالار تاج مالک آن فوتم تمام مسلح که یکی غلام برکت آبادی با مسلح امریکائی و دیگری سید محمد کمال بود که شناخته شده به قریه کریم آباد ریخته اند و اشرف نام را از منزل گرفته و خواست فریاد بزند که نصف شب چه خبر است و او را کتک زانیدی زده و گفته اند باید محمد علی چار دولی را بن نشان بدهی آنهم اظهار نموده در همدان است قبول نموده خودشان بمنزل ریخته و اسمعیل و نوقی را هم که منزل بوده کتک و ناسزا می گویند بعداً مطمئن بیودن من نباشوند اسمعیل نام را بعنوان تمهت سرعت دست بسته به همدان آورده که رفع مسئولیت نبودند من حقیر می باشم والا معلوم است که شب یا این ازدهام به قریه رفتن به حالی برای زن و بچه رعیت فلک زده روی می دهد تا این جانی مالی نداریم مدتی است از ظلم رئیس بست نکهبانی زمان آباد که پشتیبان آقای سالار تاج و ظالمین است بتنگ آمده توجه حضرت آقای نخست وزیر را این نوع دسامس متوجه نموده نادمه اشرا را کوتاه فرمایند که آسایش داشته باشیم. محمد علی چهار دولی

۱۰۸-ل

تشکر از کارکنان بیمارستان رازی

روز ۲۸ و ۲۹ خاتم این جانب بوسله استرکتین مسوم و پس ۲۷ روز معالجه بیهودی یافته و مرخص گردید اکنون وظیفه خود می دانم از کتبه کارکنان بخش مسومین و پزشکی بیمارستان رازی خصوصاً آقای دکتر رضائی دکتر هنجین زاده دکتر جهان شاهی و در درجه اول از آقای دکتر زمانی که با فعالیت کم نظیر و علاقه مفرط در باره کلیه مرضا بغبوبی دقت و صرف وقت می نمایند تشکر نموده و مراتب امتنان قلبی خود را خدمت آقای دکتر عزیز رییس و خانم عباسی مدیره فنی بخش پزشکی بنسایت مسراقت کابل آنان تقدیم و گذشته از این خانمهای پزشکیاران ذیل (خانم فرشچی- خانم مظلوم بود خانم رضائی- خانم حائری) که با پرستاری دقیق خود مسوم را از خطر مرگ نجات دادند همواره متنون بوده و امیدوارم در راه خدمت بجامه همیشه موفق و فیروز باشند اسمعیل حسینی

۱۰۶-ل

دکتر سید حسین گرامی

پزشک بیماری های داخلی کودکان

مقاربتی، سوزاک، سیفلیس

ساعت پذیرائی هر روز از ۵ الی ۸ بعد از ظهر نشانی: میدان شاهپور سراب وزیر ۲۰۲-ت

آگهی

کتاب فروشی فرانسه بنگاه انحصار بخش همه گونه مطبوعات فرانسه چهار راه یوسف آباد ۲۰۱-ت

درمان قطعی سوزاک

در مدت دو ساعت

دکتر هاشم رستگار پزشک بیماری های کودکان و مقاربتی شاه آباد مقابل حمام وزیر (کودکان تغییر را میجانا معالجه مینمایند) ۵۹۱-ت

جریان محاکمه مصطفی زاغی

عین خبری که بازرسی وزارت فرهنگ برای ما فرستاده بدون کلمه ای تحریف یا اضافه

رئیس فرهنگ شهرستان قهم و محلات

آقای محمد حسین مشایخ فریدنی مدبر روزنامه مشروطیت که از صاحبان عالی مقام وزارت فرهنگ از فضلا و نویسندگان مشهور میباشد از طرف آقای بهار وزیر فرهنگ بعنوان رئیس فرهنگ شهرستان قهم تعیین و انتخاب شده و قریباً بمحل مأموریت عزیمت خواهند کرد.

احساب نظر آقای وزیر فرهنگ در این حسن انتخاب سزاوار همه گونه قدر شناسی و تمجید است ما بیقین داریم که فرهنگ شهرستان قهم و نواح آن از برتوانکار روشن و نیروی ابتکار ایشان بر خوردار خواهد شد. صحت خبر فوق را تصدیق مینمایند بازرسی عالی و رئیس انتشارات وزارت فرهنگ - عبلی

اهالی پایتخت انتظار دارند تا

قهرمان چهارمین مسابقه مرد امروز را بشناسند تا وقت کافی تمرین است نمایند

علاوه بر کبیر خواست که بر علیه مصطفی زاغی و دو نفر دیگر صادر گردیده گزارش اداره آگاهی یکسیویون شدیدی مجازات ارسال و قرار است در کیسیون مذکور بسوابق مصطفی و سایر همراهانش رسیدگی و تعیین مجازات نمایند.

اطلاع می دهند روز ۱۵ در ۲۵ نسبت به آقای علی هیوند مدبر دفتر دادگاه استان ۶ راجع به پروش تیرهای تقلبی اعلام جرم نموده و اداره بازرسی با داشتن مدارک مثبت صندوق راهبرومومی نماید ولی متأسفانه روز بعد آقای اعتماد بدون مجوز قانونی مجدداً صندوق را بنامبرده تحویل می دهند تقاضای رسیدگی دارند.

آقای ناجی نماینده جرائد دزفول اطلاع می دهند پس از تصحیح دستور آقای قوام راجع به اصلاحات شهر حکومت نظامی اعلام وعده که در تلگرافخانه متعین شده بودند دستگیر و با هوای اعزاز داشتند.

اتحادیه کشاورزان دهستان شراه ازک از تشکیل حزب دموکرات به رهبری جناب آقای قوام السلطنه اظهار خوشبختی نموده و تمایل خود را به آن حزب اعلام داشته اند.

عده از اهالی شهرستان اراک از انتصاب آقای عبدالله مجاب بریاست شهربانی عهد ریاست خود را اعلام از اداره کل شهربانی تقاضای تمویض نامبرده را نموده اند.

آقای قریبعلی نقوی ژاندارم از الیگودرز اطلاع می دهد چون علی نظری کارمند شهربانی اراک عیالم را سرعت نموده تقاضای احقاق حق می نماید.

اهالی ساره از خدمات برجسته آقای مرتضی شریعت پنهانی کبیل شهر داری اظهار رضایت نموده اند.

آزاد بخوامان و روشن فکران شهرستان دزفول از حسن توجه آقای قوام السلطنه اظهار تشکر نموده اند.

آقای محمد علی امام از طرف کتبه کارمندان دولتی شهرستان دزفول اطلاع می دهند در این موقع که در وزارت دارائی کیسیون رسیدگی برای راه دادن کارمندان مشغول رسیدگی هستند شایسته است نسبت بکارمندان خوشستان بدل توجهی معمول گردد.

هدای از اهالی شریخت اطلاع می دهند که هدای از افراد حزب توده باعث سلب آزادی مردم شده تقاضای رسیدگی سریع و رفع مزاحمت دارند.

اهالی سنکر در فیروز کوه اظهار رضایت خود را از خدمات و جدیت سرکارسروان شکوهی نسبت به کوتاه کردن دست سارقین از سنکر اعلام داشته اند.

در دلد مردم

آقای محمد نوبسی مینویسد چندی قبل از عطیه ملوکانه جا آبی در میدان محمديه سفر نموده متأسفانه قلا خشک شده است

آقای پروجردی مینویسد در این موقع که اداره شهربانی برنامه اتوبوس رانی را در شهر مرتب نموده بهتر است خط سیر اتوبوسها را هم در داخل اتوبیل بالاسر شوهر بنویسند

آقای محمد علی آذرهوش مباشر اداره راه همدان شکایت دارند در وسای حسابداری بدون جهت مزاحم قوی شده و با داشتن ۷۵۹ رسال حقوق بدون پرداخت هزینه سفر در صد انتقال به یکی از شهرستانها هستند تقاضای رسیدگی دارند

آقای مرتضی ابطعی از طرف اولیای ۱۰۰ نفر نواخوانان قریه لاریجان شکایت دارند فرهنگ الی بیهاست خراب و وزارت فرهنگ هم هیچگونه توجهی ندارد و تقاضا دارند یک داستان ۲ کلامه در قریه شاهاندهشت افتتاح گردد

آقای محمد دباغ مینویسد مدت شش ماه است جهت تغییر نام خانوادگی خود با اداره آمار مراجعه نموده متأسفانه در ایندهت بیخ جواب پاس پاسخ دیگری نشنیده اند و حتی بعضی از کارمندان بنامبرده توهین نموده اند

ساکتین خیابان لاله زار کوچه حراجی از شهربانی تقاضا دارند که دستور دهند از تجمع دست فروشها و دلالها که مزاحم عبور و مرور مردم هستند جلوگیری نمایند

آقای مهدی قنوجی کارمند اداره ثبت استاد ضمن شرح مفصلی که به این اداره فرستاده اند اظهار می دارند کلیه اتهاماتیکه اشخاص مغرض در شماره های ۶۳ و ۶۴ مرد امروز به اینجانب داده اند عاری از حقیقت است دلیل آن خدمات چندین ساله اینجانب در اداره ثبت استاد میباشد

آقای ا - تقی زاده مینویسد وضعیت بیمارستان سینا بی نهایت خراب و فاقد همه گونه وسائل راحتی جهت بیمارستان است

آقای عباس دهقان شکایت دارند در تاریخ ۱۷ تیرماه ۲۵ سید محمود فرزند سید فرج الله شوهر در راه قم که در اثر بی میلان ماشین را برایت نموده و مسافرین را مجروح و اولاد ایشان فوت کرده اند اکنون ایشان دستگیر نشده توجه اداره شهربانی را جلب مینمایند

آقای غلامحسین نوید تقاضا دارند که اداره شهرداری دستور دهند بمیوه فروشهاییکه پشت شهرداری مشغول کسب و فائد ترازو و سنگهای دولتی هستند سنگ دولتی تهیه نمایند

آقای ا - ع کوچک از اداره شهربانی تقاضا دارند که دستور دهند انتهای خط اتوبوس جهاد سلطنت آباد از سلطنت آباد به اراج تغییر داده شود

کارمندان قرارداداری ارتش تقاضا دارند در این موقع که بوجوب ابلاغ شماره ۱۶۶۶۶ - ۱۲۴ نفر کارمندان روز مزد تسلیحات همدیف افسر شده اند پس چرا بنا کارمندان که رکن اساسی اداری وزارت جنگ هستیم هفت توجهی نمیشود تقاضای احقاق حق خود را دارند

کارگران و کارمندان راه آهن بل سفید شکایت دارند باوجود متحمل شدن مشقات زیاد چند سال است که بنگاه راه آهن از دادن ترمیم حقوق به آنها خودداری مینماید و کارمندانیکه دارای هیچگونه اطلاعات فنی نیستند با حقوقهای گزافی استخدام شده اند تقاضای رسیدگی و ترمیم حقوق خود را دارند

آقای جعفر طاهری از اهواز

طول هسک

قیه از صفحه ۳

صحت نکردم، جای بدنهت مسره و در مار میداد، با اوقات تلخ آنرا و درم و از جابلنده شده باطابق خود رفتم. چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

چندانم را که هنوز باز نکرده و همانطور برداشتم و پیش آنها آمدم

دکتر گامپاریان

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

مطبی و فوری سوزاک و سیفیلیس

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

سوزاک

